



## راز خوشبختی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

### مشخصات کتاب

سرشناسه: بیستونی، محمد، 1337 -

عنوان و نام پدیدآور: راز خوشبختی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه = Secrets of happiness in Qur'an and Nahj - ol- balaghah/  
تالیف محمد بیستونی.

مشخصات نشر: [قم]: بیان جوان، 1385.

مشخصات ظاهری: 126ص؛ 5/14×5/10 س م.

شابک: 15000 ریال: 964-8399-45-X

وضعیت فهرست نویسی: برونسپاری

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: خوشبختی -- جنبه های قرآنی

موضوع: خوشبختی -- احادیث خوشبختی -- احادیث.

موضوع: خوشبختی -- جنبه های مذهبی -- اسلام



رده بندى كنگره : / BP104 خ 97 ب 9 1385

رده بندى ديويى : 159/297

شماره كتابشناسى ملى : م 84-28388

ص:1

**اشاره**

ص:2

ص:3

ص:4

**الْأَهْدَاءِ**

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ

الْمُصْطَفَى وَ بِهِجِهِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدَى

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَئِمَّةِ التُّسْعَةِ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ



الأنبياءِ و المرسلين ، المعدِّ لقطعِ دابرِ الظلمةِ و المدخرِ لأحياءِ الفرائضِ و معالمِ الدينِ ،

الحجَّه بنِ الحسنِ صاحبِ العصرِ و الزمانِ عجلَ اللهُ تعالى فرجَه الشريفَ فيا معزَّ

الأولياءِ و يأمُذِلِ الأعداءِ أيها السبُّ المتَّصلُ بينَ الأرضِ و السماءِ قدَّمسنا

و أهلنا الضرَّ في غيبتك و فراقك و جئنا ببضاعه

مُزجاءٍ من ولائك و محبتك فأوفِ لنا الكيلَ من منك و

فضلك و تصدَّق علينا بنظره رحمه منك

انا نريك من المحسنين

(5)

ص:5

### متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم

بسم الله الرحمن الرحيم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسائل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی



با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشاند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی

ص:6

این کار را بعهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

21 ربیع الثانی 1425

21 خرداد 1383

ابوالقاسم خزعلی

(7)

ص:7

مقدمه چاپ دوم



درباره « خوشبختی » اظهار نظرهای فراوانی صورت گرفته است اما هیچیک از این نظرات مطلق و از همه جهات قابل استناد و استفاده نیست زیرا تعریف ها و شاخصه هایی که عموماً مطرح می شود زائیده افکار ، تجربیات و مطالعات متفکرین و دانشمندان و روانشناسانی است که علم و تجربه آن ها محدود به علوم طبیعی و مادی ( و متکی به معیارهای شخصی و سلیقه ای ) است.

در کتابی که ما و شما هم اکنون میهمان آن هستیم موضوع « خوشبختی » و موفقیت و راه های رسیدن به آن و دلایل « بدبختی » و راه های نجات از آن با استمداد از « آیات نورانی قرآن کریم و روایات » مورد بررسی قرار گرفته است لذا از آن جا که انسان مخلوق خداوند تبارک و تعالی است و خالق یکتا تمامی ذرات وجود انسان و جهان را آفریده و دارای علم و شناخت مطلق می باشد ، می توان ادعا کرد که

(8) مقدمه

ص:8

این بررسی و استفاده از آیات نازل شده از سوی حق ، جامع ترین و واقعی ترین مفاهیم و ارزیابی ها را در موضوع « خوشبختی » به همراه خواهد داشت .

علاوه بر این مفهوم « خوشبختی » زمانی می تواند دارای ارج و قیمت باشد که مصادیق و نمونه های عینی آن در طول قرون و اعصار به سادگی قابل مشاهده باشند .

انسان های برجسته ای که با الهام از قرآن کریم و عمل به محتوای انسان ساز آن ، تجسم خوشبختی واقعی و انسان موفق بوده اند فراوانند که یکی از شاخص ترین آن ها پیامبر نور و



آزادی و رحمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشد که قرآن کریم ایشان را به عنوان اسوه و الگوی همه کسانی که می خواهند همای سعادت و خوشبختی را در دنیا و آخرت در آغوش گیرند مطرح می فرماید و در آیه

ص:9

21 سوره احزاب در همین رابطه می گوید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ: راه و روش زندگی رسول اکرم برای شما سرمشق و الگو است.»

مقدمه (9)

در این بررسی قرآنی پیرامون «راز خوشبختی در آئینه وحی» سعی شده است به دلیل فرصت محدود خوانندگان گرامی خصوصا جوانان عزیز اصل «مختصرگویی» رعایت گردد. دکتر محمد بیستونی تهران، 27 رجب 1426 هجری قمری مبعث گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله

11 شهریور 1384

(10) مقدمه

ص:10

**تعریف خوشبختی و بدبختی از دیدگاه قرآن کریم**



خوشبختی و بدبختی در لسان قرآن کریم تحت عنوان سعادت و شقاوت ، مطرح شده است که « سعادت » به معنای فراهم بودن اسباب نعمت و « شقاوت » به معنای فراهم بودن اسباب گرفتاری و مجازات و بلاست .

از جمله در سوره هود آیه شریفه 105 می فرماید :

«يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِأَذْنِهِمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ: آن گاه که روز قیامت فرا رسد هیچ کس جز به اجازه خدا سخن نمی گوید . گروهی از مردم در آن روز بدبختند و گروهی خوشبخت» .

و در آیه بعد می فرماید :

«فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ: اما آن ها که شقاوتمند شدند در آتش اند و برای آن ها زفیر و شهیق ( ناله های طولانی دم و بازدم ) است» .

راز خوشبختی (11)

ص:11

و در آیه بعد می فرماید :

«خَلْدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ: جاودانه در آن خواهند ماند ، تا آسمان ها و زمین برپاست ، مگر آن چه پروردگارت بخواهد که پروردگارت هرچه را اراده کند انجام می دهد» .

و در آیه بعد می فرماید :



«وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُوزٍ: اما آن ها که سعادت‌مند شدند در بهشت جاودانه خواهند بود ، مادام که آسمان ها و زمین برپاست مگر آن چه پروردگارت بخواهد، بخششی است قطع نشدنی» .

## اسباب سعادت و شقاوت

سعادت که گم شده همه انسان ها است و هر کس آن را در چیزی می جوید و در جایی می طلبد به طور خلاصه عبارتست: از فراهم بودن اسباب تکامل برای یک فرد یا

(12) راز خوشبختی

ص:12

یک جامعه و نقطه مقابل آن شقاوت و بدبختی است که همه از آن متنفرند و آن عبارت از : نامساعد بودن شرایط پیروزی و پیشرفت و تکامل است .

بنابراین هر کس از نظر شرایط روحی ، جسمی ، خانوادگی ، محیط و فرهنگ ، اسباب بیشتری برای رسیدن به هدف های والا در اختیار داشته باشد به سعادت نزدیک تر یا به تعبیر دیگر سعادت‌مندتر است .

و هر کس گرفتار کمبودها و نارسایی ها ، از جهات بالا بوده باشد شقاوت‌مند و بی بهره از سعادت خواهد بود .





ولی باید توجه داشت که پایه اصلی سعادت و شقاوت ، اراده و خواست خود انسان است ، او است که می تواند وسایل لازم را برای ساختن خویش و حتی جامعه اش فراهم سازد و او است که می تواند با عوامل بدبختی و شقاوت به مبارزه برخیزد و یا تسلیم آن شود .

راز خوشبختی (13)

ص:13

در منطق انبیاء سعادت و شقاوت چیزی نیست که در درون ذات انسان باشد و حتی نارسایی های محیط و خانوادگی و وراثت در برابر تصمیم و اراده خود انسان ، قابل تغییر و دگرگونی است ، مگر این که ما اصل اراده و آزادی انسان را انکار کنیم و او را محکوم شرایط جبری بدانیم و سعادت و شقاوتش را ذاتی و یا مولود جبری محیط و مانند آن بدانیم که این نظر به طور قطع در مکتب انبیاء و همچنین مکتب عقل محکوم است .

جالب این که در روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده ، انگشت روی مسائل مختلفی به عنوان اسباب سعادت یا اسباب شقاوت گذارده شده که مطالعه آن ها انسان را به طرز تفکر اسلامی در این مسأله مهم ، آشنا می سازد و به جای این که برای رسیدن به سعادت و فرار از شقاوت به دنبال مسائل خرافی و پندارها و سنت های غلطی که در بسیاری از اجتماعات وجود دارد و مسائل بی اساسی را اسباب سعادت و

ص:14

شقاوت می پندارند، به دنبال واقعیات عینی و اسباب حقیقی سعادت خواهد رفت.

به عنوان نمونه به چند حدیث پرمعنی زیر توجه فرمایید :



(14) راز خوشبختی

1 امام صادق از جدش امیرمؤمنان علی چنین نقل می کند: « حَقِيقَةُ السَّعَادَةِ أَنْ يُخْتَمَ لِلرَّجُلِ عَمَلُهُ بِالسَّعَادَةِ وَ حَقِيقَةُ الشَّقَاوَةِ أَنْ يُخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالشَّقَاوَةِ: حقیقت سعادت این است که آخرین مرحله زندگی انسان با عمل سعادت‌مندانانه ای پایان پذیرد و حقیقت شقاوت این است که آخرین مرحله عمر با عمل شقاوت‌مندانانه ای خاتمه یابد.» (1)

این روایت با صراحت می گوید مرحله نهایی عمر انسان و اعمال او در این مرحله بیانگر سعادت و شقاوت او است و به این ترتیب سعادت و شقاوت ذاتی را به کلی

ص:15

---

1- « نور الثقلین » جلد 2 ، صفحه 398.

نفی می کند و انسان را در گرو اعمالش می گذارد و راه بازگشت را در تمام مراحل تا پایان عمر برای او باز می داند .

راز خوشبختی (15)

2 در حدیث دیگری از علی می خوانیم :

« السَّعِيدُ مَنْ وَعِظَ بِغَيْرِهِ وَ الشَّقِيُّ مَنْ انْخَدَعَ لِهَوَاهُ وَ غُرُورِهِ : سعادت‌مند کسی است که از سرنوشت دیگران پند گیرد و شقاوت‌مند کسی است که فریب هوای نفس و غرورش را بخورد.» (1)



این سخن امام علی نیز تأکید مجددی است بر اختیاری بودن سعادت و شقاوت و بعضی از اسباب مهم این دو را بیان می کند .

3 پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید :

ص:16

---

1- « نهج البلاغه » صبحی صالح خطبه 86 .

(16) راز خوشبختی

« أَرْبَعٌ مِنْ أَسْبَابِ السَّعَادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنْ الشَّقَاوَةِ فَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْئَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَالْجَارُ الصَّالِحُ وَالْمَرْكَبُ الْبَهِيءُ وَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ الْجَارُ السُّوءُ وَالْمَرْئَةُ السُّوءُ وَالْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَالْمَرْكَبُ السُّوءُ : چهار چیز است که از اسباب سعادت و چهار چیز است از اسباب شقاوت است : اما آن چهار چیز که از اسباب سعادت است : همسر صالح ، خانه وسیع ، همسایه شایسته و مرکب خوب است . و چهار چیز که از اسباب شقاوت است : همسایه بد و همسر بد و خانه تنگ و مرکب بد است . » (1)

با توجه به این که این چهار موضوع در زندگی مادی و معنوی هر کس نقش مؤثری دارد و از عوامل پیروزی یا شکست می تواند باشد ، وسعت مفهوم سعادت

ص:17

---

1- « مکارم اخلاق » ، صفحه 65 .



و شقاوت در منطق اسلام روشن می شود .

راز خوشبختی (17)

یک همسر خوب انسان را به انواع نیکی ها تشویق می کند ، یک خانه وسیع روح و فکر انسان را آرامش می بخشد و آماده فعالیت بیشتر می نماید ، همسایه بد بلاآفرین و همسایه خوب کمک مؤثری به آسایش و حتی پیشرفت هدف های انسان می کند ، یک مرکب بدرد خور برای رسیدن به کارها و وظایف اجتماعی عامل مؤثری است ، در حالی که مرکب قراضه و زوار دررفته یک عامل عقب ماندگی است ، چراکه کمتر می تواند صاحبش را به مقصد برساند .

4 و نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله این حدیث نقل شده است :

« مِنْ عِلَامَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنَيْنِ وَ قَسْوَةُ الْقَلْبِ وَ شِدَّةُ الْحِرْصِ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ وَ الْأَصْرَارِ عَلَى الذَّنْبِ : از نشانه های شقاوت آن است که هرگز قطره اشکی از چشم انسان نریزد و نیز از علامات آن سنگ دلی و حرص شدید در تحصیل

ص:18

روزی و اصرار بر گناه است « (1)

(18) راز خوشبختی



این امور چهارگانه که در حدیث فوق آمده اموری است اختیاری که از اعمال و اخلاق اکتسابی خود انسان سرچشمه می گیرد و به این ترتیب دور کردن این اسباب شقاوت در اختیار خود انسان ها است .

اگر اسبابی را که برای سعادت و شقاوت در احادیث بالا ذکر شده با توجه بر عینیت همه آن ها و نقش مؤثرشان در زندگی بشر با اسباب و نشانه های خرافی که حتی در عصر ما ، عصر اتم و فضا گروه زیادی به آن پایبندند مقایسه کنیم به این واقعیت می رسیم که تعلیمات اسلام تا چه حد منطقی و حساب شده است .

هنوز بسیاری کسانانی که نعل اسب را سبب خوشبختی ، روز سیزده را سبب

ص:19

---

1- « نور الثقلین » ، جلد 2 ، صفحه 398 .

راز خوشبختی (19)

بدبختی ، پریدن از روی آتش را در بعضی از شب های سال سبب خوشبختی و آواز خواندن مرغ را سبب بدبختی ، پاشیدن آب را پشت سر مسافر سبب خوشبختی و رد شدن زیر نردبان را سبب بدبختی و حتی آویزان کردن خرمهره را به خود یا به وسیله نقلیه سبب خوشبختی و عطسه را نشانه بدبختی در انجام کار مورد نظر می دانند و امثال این خرافات که در شرق و غرب در میان اقوام و ملل مختلف فراوان است .



و چه بسیار انسان هایی که بر اثر گرفتار شدن به این خرافات از فعالیت در زندگی بازمانده اند و گرفتار مصیبت های فراوانی شده اند .

اسلام بر تمام این پندارهای خرافی قلم سرخ کشیده و سعادت و شقاوت انسان را در فعالیت های مثبت و منفی و نقاط قوت و ضعف اخلاقی و برنامه های عملی و طرز تفکر و عقیده هر کس می داند که نمونه هایی از آن در چهار حدیث فوق به روشنی بیان

ص:20

شده است .(1)

(20) راز خوشبختی

### بررسی آیات مربوط به راز خوشبختی

همان گونه که ارتکاب انواع گناهان و ظلم و تجاوز به حقوق دیگران باعث بروز گرفتاری های مختلف خصوصاً فقر و فلاکت برای انسان ها است ، متقابلاً پرهیز از گناهان و رعایت حقوق دیگران عامل اصلی توسعه رزق و روزی و جاری شدن سرچشمه های خیر و برکت برای انسان است .

قرآن کریم در آیه 96 سوره اعراف در این خصوص می فرماید :

1 « تفسیر نمونه » ، جلد 9 ، صفحه 249 .

راز خوشبختی (21)



« وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَآخَذْنَاَهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ: و چنان چه مردم شهر و دیار ، ایمان آورده و

ص: 21

1- « تفسیر نمونه » ، جلد 9 ، صفحه 249 .

پرهیز کار می شدند همانا درهای برکات آسمان و زمین را به روی آن ها می گشودیم ولیکن چون "آیات و پیامبران ما را" تکذیب کردند ما هم آن ها را به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم .»

### معنا و مفهوم واژه « برکت »

« برکات » جمع « برکت » است ، این کلمه در اصل به معنی ثبات و استقرار چیزی است و به هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می گردد ، در برابر موجودات بی برکت که زود فانی و نابود و بی اثر می شوند .

قابل توجه این که ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می شود ، بلکه باعث می گردد که آن چه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود ، فی المثل امروز ملاحظه می کنیم قسمت بسیار مهمی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسیر « مسابقه تسلیحاتی » و ساختن سلاح های نابود کننده صرف می گردد ، این ها مواهبی هستند فاقد هر گونه برکت ، به زودی از میان می روند و نه تنها

ص: 22



نتیجه ای نخواهند داشت ، ویرانی هم بار می آورند، ولی اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند این

موهب الهی به شکل دیگری در میان آن ها درمی آید و طبعاً آثار آن باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات خواهند بود (1)

(22) راز خوشبختی

### پنج نعمت مادی ره آورد استغفار واقعی

همچنین در آیات 10 و 11 و 12 سوره نوح از قول آن پیامبر الهی می فرماید :

« فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا : به آن ها گفتم : از پروردگار خویش آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است . »

« يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا : تا باران های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد . »

ص:23

---

1- « تفسیر جوان » ، جلد 25 صفحه 51 تا 57 .

راز خوشبختی (23)

« وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا : و شما را با اموال و فرزندان فراوان امداد کند و باغ های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد . »





می گوید: « آسمان را بر شما می فرستد » یعنی آن قدر باران می بارد که گویی آسمان دارد نازل می شود ، اما چون باران رحمت است نه ویرانی می آورد و نه آسیبی می رساند، بلکه در همه جا مایه خرمی و سرسبزی و طراوت است . خلاصه هم باران رحمت معنوی و هم باران پربرکت مادی او شمارا فرامی گیرد.

به این ترتیب یک نعمت بزرگ معنوی و پنج نعمت بزرگ مادی را به آن ها وعده داده ؛ نعمت بزرگ معنوی ، بخشودگی گناهان و پاک شدن از آلودگی کفر و عصیان است، اما نعمت های مادی، ریزش باران های مفید و به موقع و پربرکت ، فزونی اموال ، فزونی فرزندان "سرمايه های انسانی" ، باغ های پربرکت و نهريهای آب جاری .

آری ایمان و تقوا طبق گواهی قرآن مجید هم موجب آبادی دنیا و هم آخرت است .

(24) راز خوشبختی

ص:24

در بعضی از روایات آمده است که وقتی این قوم لجوج از قبول دعوت نوح سرباز زدند، خشکسالی و قحطی آن ها را فراگرفت و بسیاری از اموال و فرزندانشان هلاک شدند ، زنان عقیم گشتند و کمتر بچه می آوردند، نوح به آن ها گفت: اگر ایمان بیاورید، همه این مصائب و بلاها از شما دفع خواهد شد ، ولی آن ها اعتنایی به او نکردند و همچنان سرسختی نشان دادند تا عذاب نهایی فرا رسید و همه را درو کرد .(1)

**نسخه امام حسن برای رفع خشکسالی ، فقر و نازایی**



جالب این که : کسی نزد امام حسن آمد و از قحطی و خشکسالی شکوه کرد . او ، آن مرد را به آمرزش خواهی و توبه فراخواند .

مرد دیگری آمد و از فقر و بینوایی نالید، او را نیز به توبه و آمرزش خواهی و دعا

ص:25

---

1- تفسیر جوان ، ، جلد 25 صفحه 51 و 52 .

سفارش کرد.

راز خوشبختی (25)

مرد سومی از راه رسید و از نازایی همسر و نداشتن فرزند شکوه کرد و دعا خواست تا خدا به او پسری روزی سازد، که به او نیز همین نسخه را داد. یکی از اصحاب به حضرت گفت : چگونه برای دردها و خواسته های رنگارنگ یک نسخه می نگارد؟ حضرت پاسخ داد: من از قرآن آموخته ام که درمان هر سه درد و راه نجات از هر سه مشکلی که عنوان گردید، توبه راستین و آمرزش خواهی واقعی و بازگشت خالصانه به سوی خدا و مقررات اوست، و آن گاه به تلاوت آیات مورد بحث پرداخت.

و نیز آورده اند که: مردی به حضور امام جواد شرفیاب گردید و گفت: سرورم! من ثروت بسیاری دارم، اما از نعمت فرزند محروم هستم، چه کنم؟

« فَقَالَ جُعِلَتْ فِدَاكَ اِنِّي كَثِيرُ الْمَالِ وَ لَيْسَ يُوَلَّدُ لِي وَ لَدَّ فَهَلْ مِنْ حِيلَةٍ؟ » .



آن حضرت فرمود: چاره کار این است که به مدت یک سال، هر شب از خدای

ص:26

خویش آمرزش بخواهی و خالصانه دعا کنی؛ و اگر شبی فراموش کردی در روز آن، قضای آن را به جا آور که به خواسته ات خواهی رسید، چرا که خدا در قرآن می فرماید: رَبِّكُمْ... (1)

(2)

(26) راز خوشبختی

آن ها که عادت دارند از این مسایل آسان بگذرند ، فوراً یک نوع ارتباط و پیوند معنوی ناشناخته در میان این امور قائل می شوند و از هر گونه تحلیل بیشتر خود را راحت می کنند .

ولی اگر بیشتر دقت کنیم ، در میان این امور پیوندهای نزدیکی می یابیم ، که توجه به آن ها مسایل مادی و معنوی را در متن جامعه همچون تار و پود پارچه به هم

ص:27

---

1- سوره نوح، آیه 10 و 11 و 12.

2- « ترجمه مجمع البیان » از انتشارات مؤسسه فراهانی ، جلد 29 ، صفحه 267 و 268 .

می آمیزد و یا همانند ریشه و ساقه، درخت را با گل و میوه آن ربط می دهد .



راز خوشبختی (27)

کدام جامعه است که روح تعاون و همکاری را از دست دهد و جنگ و نزاع و خونریزی را جانشین آن سازد و زمین های خرم و سرسبز و وضع اقتصادی مرفهی داشته باشد .

کدام جامعه است که مردمش آلوده انواع هوس ها باشند و در عین حال نیرومند و پابرجا در مقابل دشمنان ایستادگی کنند .

با صراحت باید گفت : هیچ مسأله اخلاقی نیست مگر این که اثر مفید و سازنده ای در زندگی مادی مردم دارد و هیچ اعتقاد و ایمان صحیحی پیدا نمی شود مگر این که در ساختن جامعه ای آباد و آزاد و مستقل و نیرومند سهم به سزایی دارد .

آن ها که مسایل اخلاقی و ایمان مذهبی و توحید را از مسایل مادی جدا می کنند، نه مسایل معنوی را درست شناخته اند و نه مسایل مادی را .

راز خوشبختی (28)

ص:28

اگر دین به صورت یک سلسله تشریفات و آداب ظاهری خالی از محتوا در میان مردم باشد ، بدیهی است تأثیری در نظام مادی اجتماع نخواهد داشت ، اما آن گاه که اعتقادات معنوی و روحانی آن چنان در اعماق روح انسان نفوذ کند که آثارش در دست و پا و چشم و گوش و زبان و تمام ذرات وجودش ظاهر گردد ، آثار سازنده این اعتقادات در جامعه بر هیچ کس مخفی نخواهد ماند . (1)



## شرایط توبه و استغفار

شخصی در حضور امام علی بدون توجه لازم گفت: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. امام فرمود: «مادرت بر تو بگرید، اَتَدْرِي مَا الْاَسْتَغْفَارُ؟ الْاَسْتَغْفَارُ دَرَجَةُ الْعَلِيِّنَ وَ هُوَ اسْمٌ وَاقَعَ عَلِيٌّ سِتَّةَ مَعَانٍ: اَوَّلَهَا النَّدْمُ عَلٰی مَا مَضٰی وَ الثَّانِي الْعَزْمُ عَلٰی تَرْكِ

ص: 29

1- «تفسیر جوان»، جلد 25، صفحه 56 و 57.

راز خوشبختی (29)

الْعُودِ اِلَيْهِ اَبَدًا وَ الثَّالِثُ اَنْ تُودِيَ اِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ اَمَلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبَعُهُ وَ الرَّابِعُ اَنْ تَعْمَدَ اِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَيَعَتَهَا فَتُودِيَ حَقَّهَا وَ الْخَامِسُ اَنْ تَعْمَدَ اِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَيَّ السُّحْتِ فَتُدِيْبُهُ بِالْاِحْزَانِ، حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَ يَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ وَ السَّادِسُ اَنْ تُدِيْقَ الْجِسْمَ اَلْمَ الطَّاعَةِ كَمَا اَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ: " اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ "

می دانی معنای استغفار چیست؟ استغفار درجه والا مقامان است و دارای شش معنا است.

اول: پشیمانی از آن چه گذشت،

دوم: تصمیم به عدم بازگشت،

سوم: پرداختن حقوق مردم چنان که خدا را پاک دیدار کنی که چیزی بر عهده تو نباشد،



چهارم: تمام واجب های ضایع ساخته را به جا آوری،

پنجم: گوشتی که از حرام بر اندامت روییده، با اندوه فراوان آب کتی، چنان که پوست

ص:30

(30) راز خوشبختی

به استخوان چسبیده گوشت تازه بروید،

ششم: رنج طاعت را به تن بچشانی چنان که شیرینی گناه را به او چشانده بودی، پس آن گاه بگویی، استغفرالله. (1)

### پرهیز از گناه رمز خروج از بن بست بدبختی ها

قرآن کریم در آیه 2 سوره طلاق می فرماید: ... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا: و هر کس از خدا پروا کند و از گناه و ستم و کارهای ناروا که از آن ها هشدار داده شده است، دست نگاه دارد، خدا برای او راه نجاتی قرار می دهد و از رنج و درماندگی دنیا و تیره بختی آخرت در امانش می دارد.

از پیامبر گرامی (ص) آورده اند که به هنگام تلاوت این آیه فرمود: مِنْ شُبُهَاتِ

ص:31



راز خوشبختی (31)

الدُّنْيَا، وَمِنْ غَمَرَاتِ الْمَوْتِ، وَشَدَائِدِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (1)

منظور این است که اگر کسی به راستی پروای خدا را پیشه سازد، خدا او را از شبهات زندگی دنیا و از گرفتاری ها و غمرات مرگ و از فشارها و سختی های روز رستاخیز نجات می دهد.

و نیز آورده اند که فرمود: مَنْ أَكْثَرَ الْأَسْتِغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا. (2)

کسی که بسیار آمرزش بخواند و روی توبه به بارگاه خدا آورد، خدای مهربان او را از هر غم و اندوهی نجات داده و از هر تنگنا و رنجی برایش گشایش پدید می آورد.

(32) راز خوشبختی

ص: 32

1- تفسیر قرطبی ج 8، ص 160؛ نورالثقلین، ج 5، ص 357.

2- تفسیر قرطبی، ج 8، ص 161.

و به باور پاره ای منظور آیه این است که: و کسی که همسرش را براساس طلاق سنت، طلاق دهد، خدا برای او راهی در بازگشت و رجوع قرار خواهد داد.

**نعمت غیر قابل پیش بینی دستاورد تقواست**



در آیه بعد می افزاید: وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ: و او را از جایی که فکرش را هم نکرده است، رزق و روزی می دهد.

به باور پاره ای این آیه در مورد فردی به نام «عَوْفَ أَشْجَعِيَّ» فرود آمد، چرا که فرزند او به دست دشمن اسیر گردید و او به حضور پیامبر آمد و این خبر را با آن حضرت در میان نهاد و از فقر و محرومیت شکایت کرد؛ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: اتَّقِ اللَّهَ وَ اصْبِرْ وَ أَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (1)

راز خوشبختی (33)

ص:33

1- تفسیر قرطبی، ج 8، ص 160.

هان ای عوف! از خدا پروا کن و شکیبایی پیشه ساز و هر چه بیشتر به او پناه بر و به او اعتماد کن و بگو: هیچ نیرو و قدرتی جز نیرو و قدرت بی کران او نیست و هیچ توانمندی جز به یاری و قدرت او نمی تواند کاری انجام دهد.

آن مرد دستور پیامبر را به جان خرید و ضمن آراسته ساختن جان به پروای خدا، راه شکیبایی را در زندگی پیش گرفت و به آن ذکر توسل جست و آن گاه چیزی نگذشته بود که پسرش به خواست خدا با غفلت اسارت گیرندگان فرار کرد و خود را به خانه رساند و شتری نیز که بر آن سوار شده بود با خود به غنیمت آورد. و این جلوه ای کوچک از پیام آیه مورد بحث است که فرمود: هر کس پروای خدا را پیشه سازد، خدا برای او برون رفتن از مشکلات و تنگناها می گشاید و روزی او را از جایی که حساب آن را هم نکرده است می سازد.





(34) راز خوشبختی

از امام صادق آورده اند که فرمود: منظور از «و یرزقهُ مِنْ حَيْثُ لَا یَحْتَسِبُ»

ص: 34

این است که: خدا به کسی که پروا پیشه سازد، به آنچه به او داده است برکت می بخشد.  
«يُبَارِكُ لَهُ فِيمَا آتَاهُ». (1)

و «ابوذر غفاری» از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: «أَنِّي لَأَعْلَمُ آيَةَ لَوْ أَخَذَ بِهَا النَّاسُ لَكَفَّتْهُمْ: وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا... فَمَا زَالَ يَقُولُهَا وَيُعِيدُهَا». (2)

من آیه ای را از قرآن شریف نشان دارم که اگر همه انسان ها دست به دامان آن زنند، برای حل مشکلات و رفع تنگناهای آنان بسنده است؛ و آن گاه به تلاوت آیه مورد بحث پرداخت و بارها آن را تکرار کرد که: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ...» در ادامه آیه می فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»: و هر کس بر خدا اعتماد کند، همو برایش بسنده است.

راز خوشبختی (35)

ص: 35

1- نور الثقلین، ج 5، ص 357.

2- تفسیر قرطبی، ج 8، ص 160.



آری، اگر انسانی به او ایمان داشته باشد و کار دنیا و آخرت خویش را به تدبیر و تقدیر او واگذارد، خدای فرزانه او را کفایت می کند و با او به گونه ای رفتار می کند که دنیای آباد و آزاد و بهشت پرطراوت را به دست آورد.

در روایتی آمده است: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ: کسی که مایل است بتواند ترین انسان ها گردد، باید به خدا "توکل" نماید».(1)

در ادامه آیه می افزاید: «إِنَّ اللَّهَ بِالْغُ أَمْرِهِ».

چرا که خدا به دلیل دانش و قدرت بی کرانش، خواست و فرمان خود را به انجام می رساند، و هیچ کسی نمی تواند جلو تدبیر و تقدیر او، در پدید آوردن پدیده ها و تدبیر هستی را بگیرد.

(36) راز خوشبختی

ص:36

---

1- نور الثقلین، ج 5، ص 358.

به باور پاره ای منظور این است که: بی گمان فرمان خدا در مورد کسانی که به او توکل نمایند و یا اعتماد نکنند انجام شدنی است.

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا: به یقین خدا برای هرچیز اندازه ای قرار داده است که آن نظام و تقدیر بی کم و کاست رعایت می گردد.



به باور پاره ای منظور این است که: خدا برای هر چیزی بر اساس مصلحت و رحمت مقرراتی در حلال و حرام و روا و ناروا و ترغیب و هشدار قرار داده است؛ (1)

ذکر این مطلب نیز لازم است که هرگز مفهوم آیه این نیست که انسان تلاش و کوشش برای زندگی را به دست فراموشی بسپارد و بگوید در خانه می نشینم و تقوا پیشه می کنم و ذکر " لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ " می گویم تا از آن جا که گمان ندارم به من

راز خوشبختی (37)

ص:37

---

1- مجمع البیان ، ج 27 و 28 صفحه 1025.

روزی برسد ، نه هرگز مفهوم آیه چنین نیست ، هدف تقوا و پرهیزگاری توأم با تلاش و کوشش است، اگر با این حال درها به روی انسان بسته شد ، خداوند گشودن آن ها را تضمین فرموده است .

و لذا در حدیثی می خوانیم که یکی از یاران امام صادق « عمر بن مسلم » مدتی خدمتش نیامد ، حضرت جوئیای حال او شد، عرض کردند: « او تجارت را ترک گفته و رو به عبادت آورده است»، فرمود: « وای بر او ، آیا نمی داند کسی که تلاش و طلب روزی را ترک گوید ، دعایش مستجاب نمی شود ( اَمَّا عَلِمَ اَنَّ تَارِكَ الطَّلَبِ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ ) .»



سپس افزود: جمعی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» نازل شد، درها را به روی خود بستند و رو به عبادت آوردند و گفتند: «خداوند روزی ما را عهده دار شده» این جریان به گوش

ص:38

پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، کسی را نزد آن ها فرستاد که: «چرا چنین کرده اید؟» گفتند: «ای رسول خدا! چون خداوند روزی ما را تکفل کرده، ما مشغول عبادت شدیم» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ عَلَيْهِمُ بِالطَّلَبِ: هر کس چنین کند، دعایش مستجاب نمی شود، بر شما باد که تلاش و طلب کنید». (1)

(38) راز خوشبختی

### مفهوم روح توکل بر خدا

منظور از توکل بر خدا، این است که انسان تلاشگر کار خود را به او واگذارد و حل مشکلات خویش را از او بخواهد، خدایی که از تمام نیازهای او آگاه است، خدایی که نسبت به او، رحیم و مهربان است و خدایی که قدرت حل هر مشکلی را دارد.

کسی که دارای روح توکل است، هرگز یأس و ناامیدی را به خود راه نمی دهد، در

ص:39



برابر مشکلات ، احساس ضعف و زبونی نمی کند ، در برابر حوادث سخت ، مقاوم است و همین فرهنگ و عقیده چنان قدرت روانی به او می دهد که می تواند بر مشکلات پیروز شود و از سوی دیگر امدادهای غیبی که به متوکلان نوید داده شده است ، به یاری او می آید و او را از شکست و ناتوانی رهایی می بخشد .

1 « نور الثقلین » ، جلد 5 ، صفحه 354 ، حدیث 35 .

راز خوشبختی (39)

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: « از پیک وحی خدا ، جبرئیل ، پرسیدم : توکل چیست ؟ گفت : حقیقت توکل این است که انسان بدانند مخلوق نه زیان می رساند و نه نفع ، نه عطا می کند و نه منع ، چشم امید از خلق برداشتن (و به خالق دوختن) هنگامی که چنین شود ، انسان جز برای خدا کار نمی کند ، به غیر او امید ندارد ، از غیر او نمی ترسد و دل به کسی جز او نمی بندد ، این روح توکل است » (1)

(40) راز خوشبختی

ص:40

1- « بحار الانوار » ، جلد 69 ، صفحه 373 ، حدیث 19 .

« توکل » با این محتوای عمیق ، شخصیت تازه ای به انسان می بخشد و در تمام اعمال او اثر می گذارد ، لذا در حدیثی می خوانیم که پیغمبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از پیشگاه خداوند سؤال کرد : « پروردگارا ! چه عملی از همه اعمال برتر است (أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ) »



«؟ خداوند متعال فرمود: «لَيْسَ شَيْءٌ عِنْدِي أَفْضَلَ مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ وَالرُّضَا بِمَا قَسَمْتُ: چیزی در نزد من افضل و برتر از توکل بر من و خشنودی به آن چه قسمت کرده ام، نیست» (1).

بدیهی است توکل به این معنی همیشه توأم با جهاد و تلاش و کوشش است، نه تبلی و فرار از مسؤولیت ها. (2).

راز خوشبختی (41)

ص: 41

1- «سفینه البحار»، جلد 2، صفحه 683 (ماده و کل).

2- «تفسیر نمونه»، جلد 24، صفحه 237.

### چرا اشخاص و جوامع فاقد ایمان زندگی مرفه دارند؟

از آن چه در بالا گفتیم پاسخ یک سؤال که زیاد در میان جمعی مورد بحث و گفتگو است روشن می گردد و آن این که اگر ایمان و تقوا، موجب نزول انواع برکات الهی است و نقطه مقابل آن باعث سلب برکات است چرا مشاهده می کنیم اشخاص یا ملت های بی ایمانی را که غرق ناز و نعمتند، در حالی که جمعی از افراد باایمان به سختی روزگار می گذرانند؟

پاسخ این سؤال با توجه به دو نکته روشن می گردد:



1 این که تصور می شود ملت های فاقد ایمان و پرهیزکاری غرق در ناز و نعمتند ، اشتباه بزرگی است که از اشتباه دیگری یعنی ثروت را دلیل بر خوشبختی گرفتن سرچشمه می گیرد .

(42) راز خوشبختی

معمولاً مردم این طور فکر می کنند که هر ملتی صنایعش پیشرفته تر و ثروتش بیشتر

ص:42

باشد خوشبخت تر است در حالی که اگر به درون این جوامع نفوذ کنیم و دردهای جانکاهی که روح و جسم آن ها را درهم می کوبد از نزدیک ببینیم قبول خواهیم کرد که بسیاری از آن ها از بیچاره ترین مردم روی زمین هستند ، بگذریم از این که همان پیشرفت نسبی ، نتیجه به کار بستن اصولی همانند کوشش و تلاش و نظم و حس مسؤولیت است که در متن تعلیمات انبیا قرار دارد .

چندی پیش این خبر در جرائد منتشر شد که در « نیویورک » یعنی یکی از ثروتمندترین و پیشرفته ترین نقاط دنیای مادی ، بر اثر خاموشی ناگهانی برق صحنه عجیبی به وجود آمد ، یعنی بسیاری از مردم به مغازه ها حمله بردند و هستی آن ها را غارت کردند ، تا آن جا که سه هزار نفر از غارتگران به وسیله پلیس بازداشت شدند .

مسلمانان تعداد غارتگران واقعی چندین برابر این عدد بوده و تنها این عده بودند که نتوانستند به موقع فرار کنند و نیز مسلم است که آن ها غارتگران حرفه ای نبوده اند که

راز خوشبختی (43)



ص:43

نفرات خود را برای چنان حمله عمومی از قبل آماده کرده باشند ، زیرا حادثه یک حادثه ناگهانی بود .

بنابراین چنین نتیجه می گیریم که با یک خاموشی برق ، ده ها هزار نفر از مردم یک شهر ثروتمند و به اصطلاح پیشرفته تبدیل به « غارتگر » شدند ، این نه تنها دلیل بر انحطاط اخلاقی یک ملت است بلکه دلیل بر ناامنی شدید اجتماعی نیز می باشد .

خبر دیگری که در جراید بود این خبر را تکمیل کرد و آن این که یکی از شخصیت های معروف که در همان ایام در نیویورک در یکی از هتل های مشهور چندین طبقه ای نیویورک سکونت داشت می گوید : قطع برق ، سبب شد که راه رفتن در راهروهای هتل به صورت کار خطرناکی درآید ، به طوری که متصدیان هتل اجازه نمی دادند کسی تنها از راهروها بگذرد و به اطاق خود برسد مبادا گرفتار غارتگران گردد، لذا مسافران را در اکیپ های ده نفری یا بیشتر ، با مأمورین مسلح به اطاق های

ص:44

خود می فرستادند ، شخص مزبور اضافه می کند که تا گرسنگی شدید به او فشار نمی آورده جرأت نداشته است از اطاق خویش خارج گردد .

(44) راز خوشبختی

اما همین خاموشی برق در کشورهای عقب مانده شرقی هرگز چنین مشکلاتی را به وجود نمی آورد و این نشان می دهد که آن ها در عین ثروت و پیشرفت صنایع کمترین امنیتی در





محیط خودشان ندارند ، از این گذشته ناظران عینی می گویند آدم کشی در آن محیط ها همانند نوشیدن یک جرعه آب است ، به همین آسانی .

و می دانیم اگر تمام دنیا را به کسی بدهند تا در چنین شرایطی زندگی کند از بیچاره ترین مردم جهان خواهد بود ، تازه مشکل امنیت تنها یکی از مشکلات آن ها است ، نابسامانی های فراوان اجتماعی دیگری دارند که آن ها نیز به نوبه خود بسیار دردناکند ، با توجه به این حقایق ثروت را نباید با خوشبختی اشتباه کرد .

2 اما این که گفته می شود چرا جوامعی که دارای ایمان و

ص:45

پرهیزکاری هستند عقب مانده اند؟

راز خوشبختی (45)

اگر منظور از ایمان و پرهیزکاری تنها ادعای اسلام و ادعای پایبندبودن به اصول تعلیمات انبیاء باشد، قبول داریم چنین افرادی عقب مانده اند ، ولی می دانیم حقیقت ایمان و پرهیزکاری چیزی جز نفوذ آن در تمام اعمال و همه شؤون زندگی نیست و این امری است که با ادعا تأمین نمی گردد .

با نهایت تأسف امروز اصول تعلیمات اسلام و پیامبران خدا در بسیاری از جوامع اسلامی متروک یا نیمه متروک مانده است و چهره این جوامع چهره مسلمانان راستین نیست . اسلام دعوت به پاکی و درستکاری و امانت و تلاش و کوشش می کند کجاست آن امانت و تلاش؟ اسلام دعوت به علم و دانش و آگاهی و بیداری می کند کجاست آن علم و آگاهی



سرشار؟ اسلام دعوت به اتحاد و فشرده‌گی صفوف و فداکاری می‌کند، آیا به راستی این اصل به طور کامل در جوامع اسلامی

ص:46

امروز حکمفرما است و باین حال عقب مانده اند؟ بنابراین باید اعتراف کرد اسلام چیزی است و عمل ما مسلمانان چیز دیگر. (1)

(46) راز خوشبختی

مقابلاً از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که هر گونه نافرمانی خدا و ظلم به دیگران عامل فقر و فلاکت و بدبختی است.

با این شاخص بسیاری از کسانی که در زندگی مادی دچار گرفتاری‌های متعدد هستند می‌توانند اعمال و رفتار خود را بازنگری کرده و با نسخه شفابخش قرآن کریم، از بیماری فقر و فلاکت نجات یابند.

### رسیدن به اوج خوبی‌ها ره آورد انفاق در راه خداست

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ

راز خوشبختی (47)

وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ

ص:47



1- « تفسیر نمونه » جلد 6 ، صفحه 267 تا 270.

اللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ: (1) ای کسانی که ایمان آورده اید از قسمت های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده اید و از آن چه از زمین برای شما خارج ساخته ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان) ، انفاق کنید و برای انفاق ، به سراغ قسمت های ناپاک نروید در حالی که خود شما ، (به هنگام پذیرش اموال ،) حاضر نیستید آن ها را بپذیرید ؛ مگر از روی اغماض و کراهت و بدانید خداوند ، بی نیاز و شایسته ستایش است» .

در این آیه سخن از چگونگی اموالی است که باید انفاق گردد .

نخست می فرماید : ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا

(48) راز خوشبختی

ص:48

1- 267 / بقره .

أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ) « ای کسانی که ایمان آورده اید از اموال پاکیزه ای که (از طریق تجارت) به دست آورده اید و از آنچه از زمین برای شما خارج کرده ایم (از منابع و معادن زیرزمینی و از کشاورزی و زراعت و باغ) انفاق کنید » .

جمله « ما كَسَبْتُمْ » (آنچه کسب کرده اید) اشاره به درآمدهای تجاری است و جمله « مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ » ( از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته ایم ) اشاره به انواع



درآمدهای زراعی و کشاورزی و همچنین معادن زیرزمینی است ، بنابراین تمام انواع درآمدها را شامل می شود ، زیرا سرچشمه تمام اموالی که انسان دارد ، زمین و منابع گوناگونی آن است حتی صنایع و دامداری و مانند آن ، همه از زمین مایه می گیرد .

این تعبیر ضمنا اشاره ای به این حقیقت است که ما منابع این ها را در اختیار شما گذاشتیم بنابراین نباید از انفاق کردن بخشی از طیبیات و پاکیزه ها و «سرگل» آن در راه

ص:49

خدا دریغ کنید .

راز خوشبختی (49)

سپس برای تأکید هر چه بیشتر می افزاید : « وَ لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ : به سراغ قسمت های ناپاک نروید تا از آن انفاق کنید در حالی که خود شما حاضر نیستید آن را بپذیرید ، مگر از روی اغماض و کراهت » .

از آن جا که بعضی از مردم عادت دارند همیشه از اموال بی ارزش و آنچه تقریبا از مصرف افتاده و قابل استفاده خودشان نیست انفاق کنند و این گونه انفاق ها علاوه بر این که سود چندانی به حال نیازمندان ندارد ، یک نوع اهانت و تحقیر نسبت به آن ها است و موجب تربیت معنوی و پرورش روح انسانی نیز نمی باشد ، این جمله صریحا مردم را از این کار نهی می کند و آن را با دلیل لطیفی همراه می سازد و آن این که ، شما خودتان حاضر نیستید این گونه اموال را بپذیرید مگر از روی کراهت و ناچاری چرا درباره برادران مسلمان و از آن بالاتر خدایی که در راه او انفاق می کنید و



ص:50

همه چیز شما از او است راضی به این کار می شوید .

(50) راز خوشبختی

در حقیقت ، آیه به نکته لطیفی اشاره می کند که انفاق در راه خدا ، یک طرفش مؤمنان نیازمندند و طرف دیگر خدا و با این حال اگر اموال پست و بی ارزش انتخاب شود ، از یک سو تحقیری است نسبت به نیازمندان که ممکن است علیرغم تهیدستی مقام بلندی از نظر ایمان و انسانیت داشته باشند و روحشان آزرده شود و از سوی دیگر سوء ادبی است نسبت به مقام شامخ پروردگار .

جمله « لا تَيْمَمُوا » (قصد نکنید) ممکن است اشاره به این باشد که اگر در لابلای اموالی که انفاق می کنید بدون توجه چیز نامرغوبی باشد ، مشمول این سخن نیست . سخن این است که از روی عمد اقدام به چنین کاری نکنید .

تعبیر به « مِنْ طَيِّبَاتٍ » (پاکیزه ها) هم پاکیزگی ظاهری را شامل می شود و ارزش داشتن برای مصرف و هم پاکیزگی معنوی ، یعنی اموال شبهه ناک و حرام ، زیرا افراد

ص:51

باایمان از پذیرش همه این ها کراهت دارند و جمله « إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ » شامل همه می شود و این که بعضی از مفسران آن را منحصر به یکی از این دو دانسته اند صحیح به نظر نمی رسد .



راز خوشبختی (51)

نظیر این آیه در سوره آل عمران آیه 92 نیز آمده است آن جا که می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»: هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسید ، مگر آن که از آنچه دوست دارید ، انفاق کنید». البته این آیه بیشتر روی اثرات معنوی انفاق تکیه می کند .

و در پایان آیه می فرماید: «بدانید خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است» (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ).

یعنی نه تنها نیازی به انفاق شما ندارد و از هر نظر غنی است ، بلکه تمام نعمت ها را او در اختیار شما گذارده و لذا حمید و شایسته ستایش است .

(52) راز خوشبختی

ص:52

بعضی احتمال داده اند که «حَمِيدٌ» در این جا به معنی اسم فاعل باشد (ستایش کننده) نه به معنی محمود و ستایش شده ، یعنی در عین این که از انفاق شما بی نیاز است شما را به خاطر اموال پاکیزه ای که انفاق می کنید ، مورد ستایش قرار می دهد .

شک نیست که انفاق در راه خدا برای تقرّب به ذات پاک او است و مردم هنگامی که می خواهند به سلاطین و شخصیت های بزرگ تقرّب جویند ، بهترین اموال خود را به عنوان تحفه و هدیه برای آن ها می برند ، در حالی که انسان های ضعیفی همچون خودشان اند، چگونه ممکن است انسان به خداوند بزرگی که تمام عالم هستی از اوست ، به وسیله اموال بی ارزش و از مصرف افتاده ، تقرّب جوید و این که می بینیم در زکات واجب و حتی در



قربانی نباید از نوع نامرغوب استفاده کرد ، نیز در همین راستا است ، به هر حال باید این فرهنگ قرآنی در میان همه مسلمین زنده شود که برای انفاق ،

ص:53

بهترین را انتخاب نمایند(1)

راز خوشبختی (53)

«ها أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ: آری شما همان جمعیتی هستید که دعوت برای انفاق در راه خدا می شوید و بعضی از شما بخل می ورزند و هر کس بخل کند ، نسبت به خود بخل کرده است و خداوند بی نیاز است و شما همه نیازمندید و هرگاه سرپیچی کنید ، خداوند گروه دیگری را به جای شما می آورد که مانند شما نخواهند بود».(2)

(54) راز خوشبختی

آیه مورد بحث تأکید دیگری است بر آن چه در آیات مختلف قرآن کریم پیرامون

ص:54

---

1- « تفسیر نمونه » جلد 2 ، ذیل آیه شریفه .

2- 38 / محمد .



مسائل مادی و دلبستگی های مردم به آن و انفاق در راه خدا آمده است .

می فرماید : « ها أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ: بدانید شما همان جمعیتی هستید که دعوت برای انفاق در راه خدا می شوید ، بعضی از شما این فرمان الهی را اطاعت می کنند در حالی که بعضی بخل می ورزند» .

در این جا این سؤال مطرح می شود که در آیات قبل گفته شد ، خداوند اموال شما را مطالبه نمی کند ، چگونه در این آیه دستور به انفاق فی سبیل الله داده شده است ؟

ولی دنباله خود آیه در حقیقت به این سؤال از دو راه پاسخ می دهد؛ نخست می گوید : «وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلْ عَن نَّفْسِهِ» .

چراکه نتیجه انفاق ها هم در دنیا به خود شما بازمی گردد ، زیرا فاصله های طبقاتی کم می شود ، آرامش و امنیت در جامعه حکمفرما می گردد ، محبت و صفا و صمیمیت ، جای کینه و عداوت را می گیرد ، این پاداش دنیوی شما است .

راز خوشبختی (55)

ص:55

و هم در آخرت در برابر هر درهم و دیناری، مواهب و نعمت هایی به شما ارزانی می دارد که هرگز به فکر بشری خطور نکرده است ، بنابراین هر قدر بخل کنید ، به خودتان بخل کرده اید .





به تعبیر دیگر مسأله « انفاق » در این جا بیشتر ناظر به انفاق برای جهاد است و تعبیر به « فی سبیل الله » نیز تناسب با همین معنی دارد و واضح است که هرگونه کمک به پیشرفت امر جهاد ، ضامن حفظ موجودیت و استقلال و شرف یک جامعه است .

پاسخ دیگر این که ؛ « وَاللَّهُ الْعَنِيُّ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ » .

او هم از انفاق شما بی نیاز است و هم از اطاعتتان ، این شما هستید که در دنیا و آخرت به لطف و رحمت و پاداش او نیاز دارید.

اصولاً موجودات امکانیه و ما سوی الله سر تا پا فقر و نیازند و غنی بالذات تنها خدا است ، آن ها حتی در اصل وجودشان دائما وابسته به اویند و لحظه به لحظه از منبع

ص:56

لايزال فيض وجود او مدد می گیرند که اگر یک لحظه از آن ها قطع فیض کند هستی همه بر باد می رود « و فرو ریزند قالب ها » .

(56) راز خوشبختی

آخرین جمله هشدارى است به همه مسلمانان که قدر این نعمت بزرگ و موهبت عظیم را بدانید که خداوند شما را پاسدار آیین پاکش قرار داد تا حامیان دین و یاوران پیامبر او باشید ، اگر به این نعمت بزرگ ارج ننهید ( وَ اِنْ تَوَلَّوْاْ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُوْنُوْا اَمْثَالَكُمْ ) « و اگر روی گردان شوید، این مأموریت را به گروه دیگری می سپارد، گروهی که همانند شما نخواهند بود » .



آری این بار هرگز بر زمین نمی ماند ، اگر شما به اهمیت جایگاهتان پی نبرید و این رسالت عظیم را نادیده بگیرید ، خداوند قوم دیگری را برمی انگیزد و این رسالت عظیم را بر دوش آن ها می افکند ، قومی که در ایثار و فداکاری و بذل جان و مال و انفاق

ص:57

فی سبیل الله به مراتب از شما برتر و بالاتر باشند. (1)

راز خوشبختی (57)

### آرامش کامل دستاورد ایمان، عمل صالح، برپاداشتن نماز و کمک به محرومین است

«انَّ الدِّينَ اَمْنٌ وَاَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند ، اجرشان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آن هاست و نه غمگین می شوند.»

کسانی که در پرتو ایمان ، خود پرستی را ترک گفته و عواطف فطری خود را زنده کرده و علاوه بر ارتباط با پروردگار و برپاداشتن نماز ، به کمک و حمایت نیازمندان می شتابند و از این راه از تراکم ثروت و به وجود آمدن اختلافات طبقاتی و به دنبال آن

ص:58



هزار گونه جنایت جلوگیری می کنند پاداش خود را نزد پروردگار خواهند داشت و در هر دو جهان از نتیجه عمل نیک خود بهره مند می شوند .

1 « تفسیر نمونه » جلد 21 ، ذیل آیه شریفه .

(58) راز خوشبختی

طبیعی است که با پرداخت حقوق مردم دیگر عوامل اضطراب و دلهره برای این دسته به وجود نمی آید خطری که در راه سرمایه داران مفت خوار بود و لعن و نفرین هایی که به دنبال آن نثار آن ها می شد برای این دسته نیست .

و بالاخره از «آرامش کامل» برخوردار بوده هیچ گونه اضطراب و غمی نخواهند داشت همان گونه که در پایان آیه آمده «وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (1).

### معیار اصلی ارزش و خوشبختی انسان ها

«وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

1 « تفسیر نمونه » جلد 2 ، ذیل آیه شریفه .

راز خوشبختی (59)

ص:59

---

1- « تفسیر نمونه » جلد 2 ، ذیل آیه شریفه .



فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ: (1) اموال و فرزندان شما هرگز شما را نزدما مقرب نمی سازد ، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند که برای آن ها پاداش مضاعف در برابر اعمالی است که انجام داده اند و آن ها در غرفه های ( بهشتی ) در ( نهایت ) امنیت خواهند بود» .

این اشتباه بزرگی است که دامن گیر گروهی از عوام شده است که تصور می کنند ، آن ها که در این جهان از نظر مادی گرفتار محرومیتند ، مغضوب و مطرود درگاه خدا هستند و آن ها که در رفاه و نعمت غوطه ورنند محبوب و مقبول او می باشند .

چه بسیار افراد محرومی که با این وسیله آزمایش می شوند و به برترین مقامات می رسند و چه بسیار افراد متنعمی که اموال و ثروتشان بلای جانشان و مقدمه

ص:60

---

1- 37 / سبأ .

مجازاتشان است .

(60) راز خوشبختی

مگر قرآن در آیه 15 سوره تغابن صریحانمی گوید: «أَمْ أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ: اموال و فرزندان شما وسیله آزمایش شما هستند و پاداش عظیم نزد خدا است»



این سخن بدان معنی نیست که انسان دست از تلاش و کوشش لازم برای زندگی بردارد، بلکه هدف این است که داشتن امکانات اقتصادی و نیروی انسانی فراوان، هرگز معیار ارزش معنوی انسان ها در پیشگاه خدایم نباشد.

سپس به معیار اصلی ارزش های انسان ها و آن چه مایه تقرب به درگاه خدا می شود پرداخته ، می گوید : « الْأَمْنُ أَمِنْ وَ عَمَلٌ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْغُرُفَاتِ أَمِنْ - وَنَ » .

بنابراین تمام معیارها به این دو امر باز می گردد : « ایمان » و عمل « صالح » ، از هر

راز خوشبختی (61)

ص:61

کس و در هر زمان و در هر مکان و از هر قشر و هر گروه و تفاوت انسان ها در پیشگاه خدا به تفاوت درجات ایمان و مراتب عمل صالح آن ها است و جز این چیز دیگری نیست .

حتی علم و دانش و انتساب به افراد بزرگ، حتی به پیامبران، اگر توأم با این دو معیار نباشد ، به تنهایی چیزی بر ارزش انسان نمی افزاید .

این جا است که قرآن با صراحت بی نظیرش قلم بطلان بر تمام پندارهای انحرافی و خرافی در زمینه عوامل قرب به پروردگار و ارزش وجودی انسان کشیده و معیار اصیل را در دو چیز خلاصه کرده که همه انسان ها قدرت بر تحصیل آن را دارند و امکانات و محرومیت های مادی در آن مؤثر نیست .



آری اموال و اولاد نیز اگر در این مسیر قرار گیرند به همین صبغه الهی در می آیند و رنگ ایمان و عمل صالح می پذیرند و مایه قرب خدا می شوند ، اما اموال و اولادی که

(62) راز خوشبختی

ص:62

انسان را از خدا دور سازند و همچون بتی مورد پرستش قرار گیرند و مایه فساد و افساد گردند آتش گیره های جهنمند و به گفته قرآن : دشمن جان انسان و دشمن سعادت او هستند : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ »: (1) ای کسانی که ایمان آورده اید بعضی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند ، از آن ها بر حذر باشید .»

ضمنا « ضِعْف » تنها به معنی « دو چندان » نیست ، بلکه به معنی « چند برابر » آمده است و در آیه مورد بحث به همین معنی است ، زیرا می دانیم پاداش هر کار نیک در نزد خدا حداقل ده برابر است ، « مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا » (2) و گاه به مراتب از این هم فراتر می رود .

راز خوشبختی (63)

ص:63

---

1- 14 / تغابن .

2- 160 / انعام .



« غُرْفَات » جمع « غرفه » به معنی حجره هایی است در طبقه بالا قرار گرفته که هم نور بیشتر دارد و هم هوای بهتر و هم از آفات به دور است ، به همین دلیل این تعبیر در مورد برترین منازل بهشت به کار رفته است .

این لغت در اصل از ماده « غَرَفَ » به معنی بالا بردن و برداشتن چیزی است .

تعبیر به آمنون ( کسانی که در امنیت به سر می برند ) در مورد بهشتیان تعبیر بسیار جامعی است که آرامش روح و جسم آن ها را از هر نظر منعکس می کند ، چراکه نه ترس فنا و زوال و مرگ دارند و نه ترس هجوم دشمن و نه بیماری و آفت و اندوه و نه حتی ترس از ترس و نعمتی برتر از این نیست که انسان از هر نظر در امنیت به سر برد ، همان گونه که بلایی بدتر از ناامنی در جنبه های مختلف زندگی وجود ندارد (1)

(64) راز خوشبختی

ص:64

---

1- « تفسیر نمونه » ، جلد 18 ، ذیل آیه شریفه .

### استفاده بجا از مواهب مادی رمز بقای آن ها است

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (1) این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی دهد جز آن که آن ها خودشان را تغییر دهند و خداوند شنوا و دانا است .



فیض رحمت خدا بیکران و عمومی و همگانی است ولی به تناسب شایستگی ها و لیاقت ها به مردم می رسد ، در ابتدا خدا نعمت های مادی و معنوی خویش را شامل حال اقوام می کند ، چنان چه نعمت های الهی را وسیله ای برای تکامل خویش ساختند و از آن در مسیر حق مدد گرفتند و شکر آن را که همان استفاده صحیح است به جا آوردند ، نعمتش را پایدار بلکه افزون می سازد ، اما هنگامی که این مواهب وسیله ای

ص:65

1- 53 / انفال .

برای طغیان و سرکشی و ظلم و بیدادگری و تبعیض و ناسپاسی و غرور و آلودگی گردد ، در این هنگام نعمت ها را می گیرد و یا آن را تبدیل به بلا و مصیبت می کند ، بنابراین دگرگونی ها همواره از ناحیه ما است و گرنه مواهب الهی زوال ناپذیر است .

راز خوشبختی (65)

### عوامل خوشبختی و بدبختی ملت ها

تاریخ، اقوام و ملت های گوناگونی را به ما نشان می دهد : گروهی را که آخرین مراحل ترقی را به سرعت طی کردند و گروهی را که به پایین ترین مرحله انحطاط رسیدند ، گروه سومی که یک روز پراکنده و وامانده و شکست خورده بودند ، اما روز دیگر نیرومند و سربلند شدند ، گروه چهارمی که به عکس از عالی ترین مرحله افتخار به قعر دره ذلت و خواری سقوط کردند.





بسیارند کسانی که از برابر صحنه های مختلف تاریخ به آسانی می گذرند ، بدون این که کمترین اندیشه ای در آن کنند و نیز بسیارند کسانی که به جای بررسی علل و

ص:66

عوامل اصلی و زیربنایی حیات و مرگ ملت ها ، گناه را به گردن عوامل کم اهمیت که نقش اساسی را به عهده ندارند و یا عوامل موهوم و خرافی و خیالی می اندازند .

(66) راز خوشبختی

بسیاری تمام علت بدبختی خود را به بیگانگان و سیاست های مخرب آن ها نسبت می دهند و عده ای همه این حوادث را مولود گردش موافق و مخالف افلاک می پندارند ، سرانجام عده ای دست به دامن قضا و قدر ، به مفهوم تحریف یافته اش و یا شانس و طالع و اقبال می زنند و همه حوادث تلخ و شیرین را از این طریق توجیه می کنند .

همه این ها برای این است که از درک علل واقعی وحشت دارند .

قرآن در آیات فوق انگشت روی نقطه اصلی « دردها » و « درمان ها » و عوامل پیروزی و شکست گذارده و می گوید: برای یافتن عامل اصلی لازم نیست آسمان ها و زمین ها را جستجو کنید و یا به دنبال عوامل موهوم و پنداری راه بیفتید بلکه کافی است تنها در وجود ، در فکر و روحیه و اخلاق خود و در نظامات اجتماعی

ص:67

خودتان جستجو کنید ، هر چه هست در این جا است .



راز خوشبختی (67)

ملت هایی که فکر و اندیشه خود را به کار انداختند ، دست اتحاد و برادری به هم دادند ، سعی و تلاش و اراده و تصمیم نیرومند داشتند و به هنگام لزوم ، جانبازی و فداکاری کردن و قربانی دادند ، به طور قطع پیروز شدند ، اما هنگامی که رکود و سستی و تنبلی جای سعی و کوشش را گرفت ، غفلت و بی خبری به جای آگاهی و تردید و دو دلی به جای تصمیم ، محافظه کاری به جای شهامت ، نفاق و تفرقه به جای اتحاد ، تن پروری و خودخواهی به جای فداکاری و تظاهر و ریاکاری به جای اخلاص و ایمان نشست ، سقوط و نکبت آغاز شد .

در حقیقت جمله « ذَلِكْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ » برترین قانون حیات انسان ها را بیان می کند و روشن می سازد که مکتب قرآن در زمینه حیات جامعه ها اصیل ترین و روشن ترین مکتب هاست ،

راز خوشبختی (68)

ص:68

حتی به آن ها که در عصر اتم و فضا انسان را فراموش کرده و گرداننده چرخ های تاریخ را ابزارهای تولید و مسائل اقتصادی که خود مولود انسان است می پندارند اعلام می کند که شما هم سخت در اشتباهید ، شما معلول را گرفته و علت اصلی را که خود ایشان و دگرگونی انسان هاست فراموش کرده اید، به شاخه چسبیده اید، آن هم فقط یک شاخه و ریشه اصلی را از خاطر برده اید .



راه دور نرویم تاریخ اسلام و یا صحیح تر تاریخ زندگی مسلمین ، شاهد پیروزی های درخشانی در آغاز کار و شکست های تلخ و دردناکی به دنبال آن است، در قرون نخستین، اسلام به سرعت در جهان پیش می رفت و در همه جا نور علم و آزادی می پاشید ، بر سر اقوام سایه علم و دانش می گسترد ، نیروآفرین و قدرت بخش و تکان دهنده و آباد کننده بود و تمدنی خیره کننده به وجود آورد که در تاریخ سابقه نداشت اما چند قرن بیشتر نگذشت که این جوشش به خاموشی گرایید ، تفرقه و پراکندگی ، انزوا

ص:69

و بی تفاوتی ، ضعف و ناتوانی و در نتیجه عقب ماندگی جای آن همه ترقی را گرفت ، تا آن جا که مسلمانان جهان برای وسایل ابتدایی زندگی ناچار شدند دست به دامان دیگران بزنند ، فرزندان خود را برای فراگرفتن علم و دانش راهی دیار بیگانه کنند ، در حالی که یک روز دانشگاه های مسلمانان برترین دانشگاه های جهان و مرکز دانشجویان دوست و بیگانه بود ، ولی کار به جایی رسید که نه تنها صادر کننده علم و صنعت و تکنولوژی نشدند بلکه مواد ابتدایی غذایی را نیز از خارج از کشورهای خود وارد کردند .

راز خوشبختی (69)

سرزمین فلسطین آن ها ، که یک روز کانون مجد و عظمت مسلمین بود و حتی جنگجویان صلیبی با میلیون ها کشته و مجروح در طی دویست سال نتوانستند آن را از دست سربازان اسلام بیرون آورند، در مدت شش روز به آسانی از دست دادند ، در حالی که برای پس گرفتن یک وجب آن را از دشمن باید ماه ها و سال ها چانه بزنند

ص:70



چانه ای که معلوم نیست پایانش به کجا بیانجامد .

(70) راز خوشبختی

آیا این وعده الهی که می فرماید : « وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ: (1) یاری مؤمنان بر عهده ماست » ( 47 / روم ) تخلف پذیرفته؟

و یا این که می گوید : « وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ: (2) عزت و سربلندی از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است » منسوخ گشته؟

و یا این که می گوید : « وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ: (3) در کتب آسمانی پیشین نوشتیم که زمین از آن بندگان صالح ماست » دگرگون شده است؟

راز خوشبختی (71)

ص: 71

1- 47 / روم .

2- 8 / منافقون .

3- 105 / انبیاء .

آیا خداوند ، العیاذ باللّٰه ، از انجام وعده های خود عاجزاست؟ و یا وعده های خویش را به دست فراموشی سپرده و یا تغییر داده؟ ... اگر چنین نیست پس چرا آن همه مجد و عظمت و قدرت و سربلندی و افتخار از میان رفت؟



قرآن مجید در آیه کوتاه فوق به همه این سؤال ها و صدها سؤال مانند آن یک پاسخ بیشتر نمی گوید و آن این که سری به اعماق قلبتان بزنید و نگاهی به زوایای اجتماعتان بیفکنید ، ببینید دگرگونی ها از ناحیه خود شما شروع شده است ، لطف و رحمت خدا برای همگان گسترده است ، شما باید که شایستگی ها و لیاقت ها را از میان بردید و به چنین روز غم انگیزی افتادید .

این آیه تنها از گذشته سخن نمی گوید که بگوییم گذشته با همه تلخی و شیرینی هایش گذشته است و دیگر باز نمی گردد و سخن از آن بیهوده است .

بلکه از امروز و آینده نیز سخن می گوید ، که اگر بار دیگر به سوی خدا آید ،

ص:72

پایه های ایمان را محکم کنید ، اندیشه ها را بیدار سازید ، تعهدها و مسؤولیت هایتان را به یاد آرید ، دست ها را به یکدیگر بفشارید ، به پاخیزید و فریاد کشید و بخروشید و بجوشید ، قربانی دهید و جهاد کنید و تلاش و کوشش را در همه زمینه ها بکار گیرید ، باز هم آب رفته به جوی آید ، روزهای تیره و تاریک سپری شود ، افقی درخشان و سرنوشتی روشن در برابر شما آشکار می گردد و مجد و عظمت دیرین در سطحی عالی تر تجدید خواهد شد .

(72) راز خوشبختی

بیاید عوض شوید : دانشمندانان بگویند و بنویسند ، جنگجویانان پیکار کنند تجار و زحمتکشانتان تلاش کنند ، جوانانان بیشتر و بیشتر درس بخوانند و پاک شوند و تلاش کنند



آگاهی بیاندوزند ، تا خون تازه ای در عروق جامعه شما به جریان بیفتد و آن چنان قدرت پیدا کنند که دشمن سرسختی که امروز یک وجب زمین را با خواهش پس نمی دهد تمام زمین ها را با التماس به شما برگرداند .

راز خوشبختی (73)

ص:73

ولی این ها حقایقی است که گفتنش آسان و دانستن و باور کردنش مشکل و عمل کردن به آن مشکل تر است ، ولی به هر حال باید در پرتو نور امید به پیش رفت .

ذکر این نکته نیز لازم است که مسأله رهبری نقش بسیار مؤثری در سرنوشت اقوام و ملل دارد ولی نباید فراموش کرد که ملت های بیدار همواره رهبران لایق را به رهبری خویش می پذیرند و رهبران نالایق و زورگو و ستمکار در برابر خشم و اراده آهنین ملت ها درهم کوبیده می شوند .

این را نیز نباید فراموش کرد که ماورای اسباب و عوامل ظاهری یک سلسله مددهای غیبی و الطاف الهی است که در انتظار بندگان باایمان و پر جوش و با اخلاص است ، ولی آن ها را هم بی حساب به کسی نمی دهند ، بلکه شایستگی و آمادگی لازم دارد .

این بحث را با ذکر دو روایت پایان می دهیم .

(74) راز خوشبختی

ص:74



نخست این که از امام صادق نقل شده: « ما أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَسَلَبَهَا أَيُّهُ حَتَّى يُذْنِبَ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ السَّلْبِ: خداوند هیچ نعمتی که به بنده ای بخشیده از او نمی گیرد مگر این که گناهی کند که به خاطر آن مستحق سلب آن نعمت شود» (1)

در حدیث دیگری از آن امام می خوانیم: « خداوند پیامبری را مأمور کرد که این سخن را به قوم خود بگوید که هیچ جمعیت و گروهی که در پرتو اطاعت من در خوشی و آسایش بوده اند از آن چه موجب رضایت من است تغییر حالت نداده اند مگر این که من هم آن ها را از آن چه دوست می دارند به آن چه ناخوش دارند تغییر حال داده ام و هر گروه و خانواده ای که به خاطر معصیت گرفتار ناراحتی بوده اند، سپس از آن چه موجب عدم رضایت من است تغییر موضع داده اند من هم آن ها را به آن چه دوست دارند رسانده و تغییر موضع

ص:75

---

1- « نور الثقلین » ، جلد 2 ، صفحه 163 .

داده ام» (1)

راز خوشبختی (75)

### جبر سرنوشت و جبر تاریخ و سایر جبرها ممنوع

موضوع مهم دیگری که از آیه فوق به روشنی استفاده می شود این است که انسان سرنوشت خاصی که از پیش تعیین شده باشد ندارد و تحت تأثیر « جبر تاریخ » و « جبر زمان » و



محیط « نیست ، بلکه عامل سازنده تاریخ و زندگی انسان دگرگونی هایی است که در روش و اخلاق و فکر و روح او به اراده خودش پیدا می شود .

بنابراین آن ها که معتقد به قضا و قدر جبری هستند و می گویند همه حوادث به خواست اجباری پروردگار است با آیه فوق محکوم می شوند و همچنین جبر مادی که انسان را بازیچه دست غرایز تغییرناپذیر و اصل وراثت می داند و یا جبر محیط که او را محکوم چگونگی اوضاع اقتصادی و شرایط تولید می داند از نظر

ص:76

---

1- « نور الثقلین » ، جلد 2 ، صفحه 163 .

مکتب اسلام و قرآن بی ارزش و نادرست است ، انسان آزاد است و سرنوشت خود را به دست خویش می سازد .

(76) راز خوشبختی

انسان ، با توجه به اصلی که در آیه فوق خواندیم ، زمام سرنوشت و تاریخ خود را در دست دارد که برای خود افتخار و پیروزی می آفریند و اوست که خود را گرفتار شکست و ذلت می سازد ، درد او از خود اوست و دوی او به دست خودش تا در وضع او دگرگونی پیدا نشود و با خودسازی خویشتن را عوض نکند تغییری در سرنوشتش پیدا نخواهد شد. (1)

**دعا عامل توسعه رزق است**





« وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَّارْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرٰتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَّالْيَوْمِ  
الْاٰخِرِ قَالَ وَّ مَنْ كَفَرَ فَاُمَّتُهُ قَلِيْلًا ثُمَّ اضْطَرُّهُ اِلَى عَذَابِ النَّارِ وَّ

ص: 77

1- « تفسیر نمونه » ، جلد 7 ، ذیل آیه مورد بحث .

بُئْسَ الْمَصِيْرُ: (1)

راز خوشبختی (77)

( و بیاد آورید ) هنگامی که ابراهیم عرض کرد : پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را آن ها که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده اند از ثمرات ( گوناگون ) روزی ده ( ما این دعای ابراهیم را به اجابت رساندیم و مؤمنان را از انواع برکات بهره مند ساختیم ) اما به آن ها که کافر شدند بهره کمی خواهیم داد ، سپس آن ها را به عذاب آتش می کشانیم و چه بد سرانجامی دارند .

در این آیه ابراهیم دو درخواست مهم از پروردگار برای ساکنان سرزمین مقدس مکه می کند که به یکی از آن ها در آیه قبل نیز اشاره شد .

قرآن می گوید : « به خاطر بیاورید هنگامی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا این سرزمین را

ص: 78



شهر امنی قرار ده « ( وَ اِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا ) .

(78) راز خوشبختی

و همان گونه که در آیه قبل خواندیم این دعای ابراهیم را به اجابت رسید ، خدا این سرزمین مقدس را یک کانون امن و امان قرار داد و امنیتی از نظر ظاهر و باطن به آن بخشید .

دومین تقاضایش این است که : « اهل این سرزمین را آن ها که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده اند از ثمرات گوناگون روزی ببخش » ( وَ ارزُقْ اَهْلَهُ مِنْ الثَّمَرَاتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ ) .

جالب این که ابراهیم نخست تقاضای « امنیت » و سپس درخواست « مواهب اقتصادی » می کند و این خود اشاره ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکمفرما نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست .

در این که منظور از ثمرات چیست؟ مفسران گفتگوها دارند، ولی ظاهراً ثمرات

راز خوشبختی (79)

ص:79

یک معنی وسیع دارد که هرگونه نعمت مادی، اعم از میوه ها و مواد دیگر غذایی و نعمت های معنوی را شامل می شود ، در حدیثی از امام صادق می خوانیم که فرمود : « هی ثمرات



القلوب : منظور میوه دل ها است « اشاره به این که خداوند محبت و علاقه مردم را به مردم این سرزمین جلب می کند .

این نکته نیز قابل توجه است که ابراهیم این تقاضا را تنها برای مؤمنان به توحید و روز جزا می کند ، شاید به خاطر این که از جمله « لا ینال عهد الظالمین » در آیات گذشته به این حقیقت پی برده بود که گروهی از نسل های آینده او ، راه شرک و ظلم و ستم می پویند و او در این جا ادب را رعایت ادب را رعایت کرد و آن ها را از دعای خود استثناء نمود .

به هر حال خداوند در پاسخ این تقاضای ابراهیم چنین فرمود : « اما آن ها که راه کفر را پوئیده اند بهره کمی ( از این ثمرات ) به آن ها خواهم داد » ( و به طور کامل محروم نخواهم کرد ) « ( قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأَمَّتْهُ قَلِيلًا ) .

(80) راز خوشبختی

ص:80

اما در سرای آخرت « آن ها را به عذاب آتش می کشانم و چه بد سرانجامی دارند » ( ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ ) .

این در واقع صفت « رحمانیت » همان رحمت عامه پروردگار است که از خوان نعمت بی دریغش همه بهره می گیرند و از خزانه غیبش خوبان و بدان وظیفه خور باشند، ولی سرای آخرت که سرای رحمت خاص او است ، رحمت و نجاتی برای آن ها نیست (1)

**استقامت و نماز دو وسیله اساسی برای نیل به خوشبختی است**



« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ » (2)

راز خوشبختی (81)

ص: 81

1- « تفسیر نمونه » ، جلد 1 ، ذیل آیه شریفه .

2- 153 / بقره .

ای افراد باایمان از صبر ( و استقامت ) و نماز ( در برابر حوادث سخت زندگی ) کمک بگیرد ( زیرا ) خداوند باصابران است .

با این دو نیرو ( استقامت و توجه به خدا ) به جنگ مشکلات و حوادث سخت بروید که پیروزی از آن شما است « زیرا خداوند باصابران است » ( إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ) .

به عکس آن چه بعضی تصور می کنند ، « صبر » هرگز به معنی تحمل بدبختی ها و تن دادن به ذلت و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست ، بلکه صبر و شکیبایی به معنی پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و هر حادثه است .

لذا بسیاری از علمای اخلاق برای « صبر » سه شاخه ذکر کرده اند :

صبر بر اطاعت ( مقاومت در برابر مشکلاتی که در راه طاعت وجود دارد ) .

(82) راز خوشبختی

ص: 82



صبر بر معصیت ( ایستادگی در برابر انگیزه های گناه و شهوات سرکش و طغیانگر ) .

و صبر بر مصیبت ( پایداری در برابر حوادث ناگوار و عدم خودباختگی و شکست روحی و ترک جزع و فزع ) .

کمترا موضوعی را در قرآن می توان یافت که مانند « صبر » تکرار و مورد تأکید قرار گرفته باشد ، در قرآن مجید در حدود هفتاد مورد از « صبر » ، سخن به میان آمده که بیش از ده مورد از آن به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد .

تاریخ مردان بزرگ گواهی می دهد که یکی از عوامل مهم یا مهم ترین عامل پیروزی آنان استقامت و شکیبایی بوده است ، افرادی که از این صفت بی بهره اند در گرفتاری ها بسیار زود از پا درمی آیند و می توان گفت نقشی را که این عامل در پیشرفت افراد و جامعه ها ایفا می کند ، نه فراهم بودن امکانات دارد و نه استعداد و هوش و مانند آن .

به همین دلیل در قرآن مجید روی این موضوع با مؤکدترین بیان تکیه شده است ،

راز خوشبختی (83)

ص:83

آن جا که می گوید : « اِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ اَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ » (1) صابران پاداش خود را بی حساب می گیرند .

و در مورد دیگر بعد از ذکر « صبر در برابر حوادث » می خوانیم : « اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ » (2) این کار از محکم ترین کارها است .



اصولاً ویژگی استقامت و پایداری، این است که فضائل دیگر بدون آن ارج و بهایی نخواهد داشت که پشتوانه همه آن ها صبر است و لذا در « نهج البلاغه » در « کلمات قصار » می خوانیم: « وَ عَلَیْكُمْ بِالصَّبْرِ ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيْمَانِ كَالرَّأْسِ

(84) راز خوشبختی

مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِی جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا فِی الْإِيْمَانِ لَا صَبْرَ مَعَهُ : بر شما باد به صبر و استقامت که صبر در برابر ایمان همچون سر است در مقابل تن ، تن بی سر فایده ای ندارد ، همچنین ایمان بدون صبر ناپایدار و بی نتیجه است .

ص:84

1- 10 / زمر .

2- 17 / لقمان .

در روایات اسلامی عالی ترین صبر را آن دانسته اند که به هنگام فراهم آمدن وسایل عصیان و گناه انسان مقاومت کند و از لذت گناه چشم پوشد .

در آیه مورد بحث مخصوصاً به مسلمانان انقلابی نخستین که دشمنان نیرومند و خونخوار و بی رحم از هر سو آن ها را احاطه کرده بودند ، دستور داده شده است که در برابر حوادث مختلف از قدرت صبر و پایداری کمک بگیرند ، که نتیجه آن استقلال شخصیت و اتکاء به خویشتن و خودیاری در پناه ایمان به خدا است و تاریخ اسلام این حقیقت را به خوبی نشان می دهد که همین اصل اساسی پایه اصلی همه پیروزی ها بود .



موضوع دیگری که در آیه بالا به عنوان یک تکیه گاه مهم در کنار صبر ، معرفی شده « صلوه » ( نماز ) است ، لذا در احادیث اسلامی می خوانیم : « كَانَ عَلِيٌّ (ع) إِذَا أَهَالَهُ أَمْرٌ فَرَعَّ قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ ثُمَّ تَلَى هَذِهِ الْآيَةَ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ...»

راز خوشبختی (85)

هنگامی که علی با مشکلی روبرو می شد به نماز برمی خاست و پس از نماز به دنبال حل مشکل می رفت و این آیه را تلاوت می فرمود : «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...» (1)

ص:85

---

1- «المیزان» ، جلد اول ، صفحه 154 .

از این موضوع هرگز نباید تعجب کرد ، زیرا هنگامی که انسان در برابر حوادث سخت و مشکلات طاقت فرسا قرار می گیرد و نیروی خود را برای مقابله با آن ها ناچیز می بیند ، نیاز به تکیه گاهی دارد که از هر جهت نامحدود و بی انتها باشد ، نماز او را با چنین مبدئی مربوط می سازد و با اتکاء بر او می تواند با روحی مطمئن و آرام امواج سهمگین مشکلات را درهم بشکند.

بنابراین آیه فوق در حقیقت به دو اصل توصیه می کند یکی اتکای به خداوند که

ص:86

نماز مظهر آن است و دیگری مسأله خود یاری و اتکای به نفس که به عنوان صبر از آن یاد شده است.(1)



## راز توسعه و خوشبختی جوامع

قرآن کریم در بیان یکی از سنت های حاکم بر جامعه و تاریخ می فرماید:

وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا: و اگر جامعه ها و تمدن ها بر راه راست و خداپسندانه و خردمندانه پایداری و پایمردی ورزند بی تردید آبی گوارا و بسیار فراوان به آنان می نوشانیم .

بسیاری از مفسرین معتقدند که «پایداری در راه» در آیه مورد بحث به پایداری در

راز خوشبختی (87)

ص:87

---

1- «تفسیر نمونه»، جلد 1، ذیل آیه شریفه .

ایمان و پروا و رعایت مقررات خدا و حقوق مردم تفسیر گردد؛ چرا که این مناسب ترین تفسیر برای آیه است. افزون بر این تفسیر و دریافت، آیه در مقام دلجویی و مهرورزی به انسان ها و فراخوان آنان به سوی ایمان و عمل شایسته و ترغیب و انگیزش آنان به قانون گرایی و فرمانبرداری از خداست.

«ابو بصیر» آورده است که به امام باقر(ع) گفتم: سرورم! در تفسیر این آیه چه می گوید که می فرماید: وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ...





آن حضرت فرمود: این راه مترقی و سعادت آفرین و توسعه بخش، همان مذهب خاندان پیامبر است که شما در آن هستید.

هُوَ وَاللَّهِ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ... (1)

(88) راز خوشبختی

ص: 88

---

1- نور الثقلین، ج 5، ص 438.

امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر آنان بر راه قرآن و عترت پایداری ورزند درهای دانش و بینش و نعمت های معنوی را به وسیله امامان معصوم بر روی آنان می گشاییم تا آنان که می خواهند به اندازه توان و لیاقت خویش بهره ور گردند.

...لَا فِدْنَاهُمْ عِلْمًا كَثِيرًا يَتَعَلَّمُونَهُ مِنَ الْأُمَّةِ (1)

نکته قابل توجه این که در آیه این است که اولاً می فرماید: ما باران رحمت خود را بر آن ها فرو می باریم و منابع و چشمه های آب حیات بخش را در اختیارشان می گذاریم و آن جا که آب فراوان است همه چیز فراوان است و به این ترتیب آن ها را مشمول انواع نعمت ها قرار می دهیم.

راز خوشبختی (89)



ثانیا: اشاره می کند که آن چه مایه وفور نعمت می شود، « استقامت بر ایمان » است نه « اصل ایمان »، زیرا ایمان موقت و زودگذرنمی تواند چنین برکاتی از خود نشان

ص: 89

1- نور الثقلین، ج 5، ص 438؛ تفسیر برهان، ج 4، ص 393.

دهد، مهم استقامت بر ایمان و تقوی است که پای بسیاری در آن لنگ و لرزان است. (1)

### بررسی علت بدبختی انسان

قرآن کریم در آیه 30 سوره شوری می فرماید: « وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ: هر مصیبت و گرفتاری که به شما می رسد دستاورد و ثمره اعمال خودتان است تازه این تمام مجازات اعمال شما نیست چرا که بسیاری از کارهای شما را مورد عفو قرار می دهد. ».

این آیه به خوبی نشان می دهد، مصائبی که دامن گیر انسان می شود، یک نوع مجازات الهی و هشدار است ( هر چند استثنائاتی دارد که بعد به آن اشاره خواهد شد ) و به این ترتیب یکی از فلسفه های حوادث دردناک و مشکلات زندگی روشن می شود .

جالب این که در حدیثی از امیر مؤمنان علی می خوانیم، که از پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله

(90) راز خوشبختی



1- تفسیر نمونه از انتشارات دارالکتب اسلامیة جلد 25 صفحه 121 و 122.

نقل می کند که فرمود :

« خَيْرُ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ هَذِهِ الْآيَةُ ، يَا عَلِيُّ مَا مِنْ خَدَشٍ عُدَّ وَلَا نَكْبَةٍ قَدِمَ إِلَّا بِذَنْبٍ وَ مَا عَفَى اللَّهُ عَنْهُ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِيهِ وَ مَا عَاقَبَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُثَنَّى عَلَى عَبْدِهِ: این آیه ( وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ ... ) بهترین آیه در قرآن مجید است ، ای علی هر خراشی که از چوبی بر تن انسان وارد می شود و هر لغزش قدمی ، بر اثر گناهی است که از او سرزده و آن چه خداوند در دنیا عفو می کند، گرامی تر از آن است که ( در قیامت ) در آن تجدید نظر فرماید و آن چه را که در این دنیا عقوبت فرموده ، عادل تر از آن است که در آخرت بار دیگر کیفر دهد . » (1)

و به این ترتیب این گونه مصائب علاوه بر این که بار انسان را سبک می کند ، او را نسبت به آینده کنترل خواهد نمود .

راز خوشبختی (91)

ص: 91

1- « مجمع البیان » ، جلد 9 ، صفحه 31 ، ذیل آیات مورد بحث .

**گرفتاری ها همیشه نتیجه رفتار اشخاص نیست**



گرچه ظاهر آیه عام است و همه مصائب را دربر می گیرد، ولی مطابق معمول در عمومات ، استثناهایی وجود دارد ، مانند مصائب و مشکلاتی که دامن گیر انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام می شد که برای ترفیع مقام آن ها بود ، یا گرفتاری بسیاری همانند کودکان و یا افرادی که مسؤول شناخته نمی شوند .

و هم چنین مصائبی که بر اثر ندانم کاری ها و عدم دقت و مشورت و سهل انگاری در امور حاصل می شود ، که اثر تکوینی اعمال خود انسان ها است و یا مصائبی که گریبان غیر معصومین را می گیرد و جنبه آزمون دارد . قرآن کریم در این باره می فرماید : « وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ (1) به درستی که شما را از طریق انواع ترس و گرسنگی و کمبودهای مادی

ص:92

1- 155 / بقره .

و جسمی و محصولات مورد امتحان قرار می دهیم و بشارت بادبرکسانی که این آزمون الهی را با صبر و بردباری پشت سر می گذارند .»

(92) راز خوشبختی

به تعبیر دیگر جمع میان آیات مختلف قرآن و روایات ایجاب می کند که عموم این آیه در مواردی تخصیص پیدا کند. اما از آن جا که بیشتر موارد آن جنبه کیفری و کفاره ای دارد ، آیه 30 سوره شوری آن را به صورت عموم مطرح ساخته است .



## فلسفه گرفتاری های سخت

با این بیان نمی توان گفت هر گرفتاری و رنجی کیفر گناه است ، چراکه گرفتاری های سخت ، فلسفه های گوناگونی دارند که از آن جمله عبارتند از :

1 شکوفایی استعدادها و توانمندی های درونی و برونی انسان،

2 هشدار نسبت به آینده او ،

راز خوشبختی (93)

3 بیداری از خواب غفلت و غرور و هشیاری از انواع مستی ها،

4 کیفر گناهان ،

ص:93

5 بخش مهمی نیز ثمره ندانم کاری ها و سهل انگاری های انسان در زندگی است .

6 اصل آزمون در زندگی انسان، (1)

و لذا در حدیثی می خوانیم : هنگامی که امام علی بن الحسین وارد بر یزید شد ، یزید نگاهی به او کرد و گفت: « یا عَلِيُّ ما أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ » ( اشاره به این که حوادث کربلا نتیجه اعمال خود شما بود ) .



ولی امام علی بن الحسین فوراً در پاسخ فرمود: « کَلَّا مَا هَذِهِ فِينَا نَزَلَتْ ، اِنَّمَا نَزَلَ فِينَا " مَا اَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْاَرْضِ وَ لَا فِي اَنْفُسِكُمْ اِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ اَنْ نُبْرَاَهَا اِنَّ ذَلِكُمْ عَلَيَّ اللّٰهُ يَسِيرٌ لِّكَيْلًا تَأْسُوْا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوْا بِمَا

(94) راز خوشبختی

ص: 94

1- « مجمع البیان » ، جلد 25 ، صفحه 128 و 129 .

آتاکم" (1) فَنَحْنُ الَّذِيْنَ لَا نَأْسِيْ عَلَيَّ مَا فَاتَنَا مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَ لَا نَفْرَحُ بِمَا اُوْتِينَا: (2)

چنین نیست ، این آیه در مورد ما نازل نشده ، آن چه درباره ما نازل شده آیه دیگری است که می گوید : هر مصیبتی در زمین یا در جسم و جان شما روی دهد ، پیش از آفرینش شما در کتاب ( لوح محفوظ ) بوده و آگاهی براین امر بر خداوند آسان است ، این برای آن است که شما به خاطر آن چه از دست می دهید ، غمگین نشوید و به خاطر آن چه در دست دارید ، زیاد خوشحال نباشید ( هدف از این مصائب عدم دل بستگی شما به مواهب زودگذر دنیا است و یک نوع تربیت و آزمون برای شما است ) .

راز خوشبختی (95)

سپس امام افزود: « ما کسانی هستیم که هرگز به خاطر آن چه از دست داده ایم ، غمگین نخواهیم شد و به خاطر آن چه در دست داریم ، خوشحال نیستیم " همه را زودگذر می دانیم و چشم به لطف و عنایت خدا بسته ایم " . »



1- 22 و 23 / حدید .

2- « نور الثقلین » ، جلد 4 ، صفحه 580 .

هنگامی که از امام صادق تفسیر آیه فوق را خواستند ، فرمود : « می دانید علی و اهل بیتش بعد از او گرفتار مصائبی شدند ، آیا به خاطر اعمالشان بود؟ در حالی که آن ها اهل بیت طهارتند و معصوم از گناه » ، سپس افزود : « انَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَغْفِرُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِائَةَ مَرَّةٍ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ اِنَّ اللَّهَ يَخُصُّ اَوْلِيَاءَهُ بِالْمَصَائِبِ لِأَجْرِهِمْ عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ: رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته توبه می کرد و در هر شبانه روز صدبار استغفار می نمود، بی آن که گناهی مرتکب شده باشد ، خداوند برای اولیاء و دوستانش مصائبی قرار می دهد تا به خاطر صبر در برابر آن از او پاداش گیرند ، بی آن که گناهی مرتکب شده باشند » . (1)

### مصیبت ها محصول گناهان جمعی و فردی انسان هاست

گاه مصائب ، جنبه دستجمعی دارد و محصول گناهان جمعی است، همان گونه که

(96) راز خوشبختی

ص:96

1- « نور الثقلین » ، جلد 4 ، صفحه 581 .



در آیه 41 سوره روم می خوانیم: « ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ »: فساد در خشکی و دریا به خاطر اعمال مردم آشکار شد، تا نتیجه بعضی از اعمالی را که انجام داده اند، به آن ها بچشانند، شاید باز گردند .«

روشن است که این درباره جوامع انسانی است، که به خاطر اعمالشان گرفتار نابسامانی ها می شوند .

و در آیه 11 سوره رعد آمده است: « اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ »: خداوند سرنوشت هیچ جمعیتی را تغییر نمی دهد، مگر این که خویشان را تغییر دهند .«

و امثال این آیات که گواهی می دهد، در میان اعمال انسان و نظام تکوینی زندگی او ارتباط و پیوند نزدیکی وجود دارد، که اگر بر اصول فطرت و قوانین آفرینش گام بردارند، برکات الهی شامل حال آن ها می شود و هرگاه فاسد شوند، زندگی

ص:97

آن ها به فساد می گراید .

راز خوشبختی (97)

و گاه ممکن است این قضیه در مورد فرد فرد انسان ها صادق شود و هر کس در مقابل گناهی که مرتکب می شود، به مصیبتی در جسم و جان یا اموال و متعلقاتش گرفتار گردد، همان طور که در آیه فوق آمده است. (1)





## راز بدبختی از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی و امام صادق علیهم السلام

در همین زمینه روایات زیادی در منابع اسلامی وارد شده که به گوشه ای از آن برای تکمیل این بحث اشاره می کنیم:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « خَمْسٌ بِخَمْسٍ، قِيلَ مَا خَمْسٌ بِخَمْسٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: مَا يُخْلِفُ قَوْمَ الْعَهْدِ إِلَّا يُسَلِّطُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ، وَ مَا حَكَمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا فَشَا فِيهِمُ الْفَقْرُ وَ مَا ظَهَرَ فِيهِمُ الْفَاحِشَةُ إِلَّا فَشَى فِيهِمْ

ص: 98

---

1- «الميزان»، جلد 18، صفحه 61.

الْمَوْتُ، وَ مَا طَفَّقُوا الْكَيْلَ إِلَّا مُنِعُوا النَّبَاتَ، وَ أَخَذُوا بِالسِّنِّينَ، وَ مَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا حَبَسَ عَنْهُمْ الْمَطْرُ(1)

(98) راز خوشبختی

پیامبر گرامی هشدار داد که پنج گناه و زشتکاری اجتماعی است که به طور طبیعی پنج کیفر و واکنش را در پی خواهد داشت؛

پرسیدند ای پیامبر خدا! کدامین گناهان و چگونه؟



فرمود: در هیچ جامعه ای پیمان شکنی رواج نیافت، جز اینکه خدا دشمن را بر او مسلط ساخت و هیچ تمدنی به خود کامگی و قانون شکنی و ناروا حکومت و داوری نکرد، جز اینکه فقر و بدبختی بر آن سایه افکند و در میان هیچ ملتی زشتی و زنا رواج نیافت مگر اینکه مرگ زودرس در آن بسیار شد، و در میان هیچ مردمی کم فروشی و ستم اقتصادی گسترش نیافت، جز اینکه به خشکسالی و قحطی گرفتار آمدند، و

ص: 99

---

1- مواظ العَدَدِيَّة، ص 154.

سرانجام اینکه هیچ جامعه ای پرداخت زکات و حقوق محرومان را وانهاد، جز این که باران رحمت از آنها بازداشته شد .

راز خوشبختی (99)

ششمین امام نور در این مورد می فرماید.

«مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ: آن کسانی که به کیفر طبیعی گناه می میرند و به مرگ زودرس گرفتار می گردند، بیش از کسانی هستند که به مرگ طبیعی می میرند.» (1)

در کتاب کافی اصولاً بابی برای این موضوع منعقد شده و 12 حدیث در همین زمینه در آن آمده است .



در خطبه 178 نهج البلاغه آمده است: « ما كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضِّ نِعْمَةٍ مِنْ عَيْشٍ، فَنَالَ عَنْهُمْ ، إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوهَا ، لِأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَالِمٍ لِلْعَبِيدِ وَكَوَأَنَّ النَّاسَ

(100) راز خوشبختی

ص:100

1- مجمع البيان ، جلد 21 و 22 صفحه 161.

حِينَ تَنْزِلُ بِهِمُ النَّقْمُ وَتَزُولُ عَنْهُمْ النِّعْمُ ، فَزِعُوا إِلَى رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِنْ نِيَّاتِهِمْ وَوَلَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ ، لَرَدِّ عَلَيْهِمْ كُلِّ شَارِدٍ وَأَصْلَحَ لَهُمْ كُلُّ فَاسِدٍ : « هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته نشد ، مگر به واسطه گناहانی که انجام دادند زیرا خداوند هرگز به بندگانش ستم روا نمی دارد ، هرگاه مردم در موقع نزول بلاها و سلب نعمت ها با صدق نیت به پیشگاه خدا تضرع کنند و با دل های پر اشتیاق و آکنده از مهرخدا از او درخواست جبران نمایند مسلماً آن چه از دستشان رفته به آن ها بازمی گرداند و هرگونه مفسده ای را برای آن ها اصلاح می کند . »

در « جامع الاخبار » حدیث دیگری از امیر مؤمنان علی نقل شده است که فرمود: « إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ : بلاها برای ظالم تأدیب است و برای مؤمنان امتحان و برای

ص:101

پیامبران درجه و برای اولیاء کرامت و مقام است « (1)



راز خوشبختی (101)

این حدیث شاهد گویایی است برای آن چه در مورد استثنای آیه بیان کردیم .

در حدیث دیگری در « کافی » از حضرت امام صادق آمده است که فرمود : « انَّ الْعَبْدَ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يُكْفِرُهَا ، ابْتَلَاهُ بِالْحُزْنِ لِيُكْفِرَهَا : هنگامی که انسان گناهش افزون شود و اعمالی که آن را جبران کند ، نداشته باشد ، خداوند او را گرفتار اندوه می کند تا گناهانش را تلافی کند » (2)

(102) راز خوشبختی

تازه همه این ها غیر از گناهانی است که خداوند طبق صریح آیه 30 سوره شوری مشمول عفو و رحمتش قرار می دهد ، که آن نیز به نوبه خود بسیار است .

ص: 102

1- « بحار الانوار » ، جلد 81 ، صفحه 198 .

2- « کافی » جلد 2 ، کتاب « الایمان و الکفر » بابُ تَعَجِيلِ عُقُوبَةِ الذَّنْبِ ، حدیث 2 .

### آیا باید در مقابل مصائب و مشکلات تسلیم شد ؟

ممکن است کسانی از این حقیقت قرآنی سوء استفاده کنند و هر گونه مصیبتی دامنهشان را می گیرد ، با آغوش باز از آن استقبال نمایند و بگویند باید در برابر هر حادثه ناگواری تسلیم شد و از این اصل آموزنده و حرکت آفرین قرآنی نتیجه معکوس ، یعنی نتیجه تخدیری بگیرند که این بسیار خطرناک است .



هیچ گاه قرآن نمی گوید در برابر مصائب تسلیم باش و در رفع مشکلات کوشش مکن و تن به ظلم ها و ستم ها و بیماری ها بده ، بلکه می گوید : اگر با تمام تلاش و کوششی که انجام دادی باز هم گرفتاری ها بر تو چیره شد ، بدان گناهی کرده ای که نتیجه و کفاره اش دامانت را گرفته ، به اعمال گذشته ات بیندیش و از گناهانت استغفار کن و خویشتن را بساز و ضعف هارا اصلاح نما . و اگر می بینیم در بعضی از روایات ، این آیه

ص:103

بهترین آیه قرآن معرفی شده ، به خاطر همین آثار تربیتی مهم آن است . (1)

راز خوشبختی (103)

### بخل عامل اسارت و بدبختی است

« وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ: (2) کسانی که بخل می ورزند و آن چه را خدا از فضل خویش به آنان داده ، انفاق نمی کنند ، گمان نکنند این کار به سود آن ها است ، بلکه برای آن ها شر است ، به زودی در روز قیامت ، آن چه را نسبت به آن بخل ورزیدند ، همانند طوقی به گردنشان می افکنند و میراث آسمان ها و زمین ، از آن خدا است و خداوند ، از آن چه انجام

ص:104



2- 180 / آل عمران .

می دهید ، آگاه است» .

(104) راز خوشبختی

### طوق سنگین اسارت سرنوشت محتوم بخیلان است

آیه فوق ، سرنوشت بخیلان را در روز رستاخیز ، توضیح می دهد ، همان ها که در جمع آوری و حفظ ثروت می کوشند و از انفاق کردن در راه بندگان خدا ، خودداری می کنند. گرچه در آیه، نامی از زکات و حقوق واجب مالی برده نشده ، ولی در روایات اهل بیت علیهم السلام و هم چنین در گفتار مفسران ، آیه به مانعان زکات تخصیص داده شده است و تشدیدهایی که در آیه به چشم می خورد ، نیز دلیل بر این است که منظور انفاق مستحبی نیست .

آیه می گوید : « افرادی که بخل می ورزند و از آن چه خداوند از فضل خود به آن هاداده در راه او نمی دهند ، تصور نکنند به سود آن ها است : **وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَتَيْهُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ** » .

« بلکه ( برخلاف تصور آن ها ) این کار به زیان آن ها تمام می شود : **بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ** » .

راز خوشبختی (105)

ص: 105



سپس سرنوشت آن ها را در روز رستاخیز ، چنین توصیف می کند : « به زودی اموالی را که در مورد آن بخل ورزیدند ، همانند طوقی در گردنشان می افکنند : سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ » .

از این جمله استفاده می شود اموالی که حقوق واجب آن پرداخت نشده و اجتماع ، از آن بهره ای نگرفته است و تنها در مسیر هوس های فردی و گاهی مصارف جنون آمیز به کار گرفته شده و یا بی دلیل روی هم انباشته گردیده و هیچ کس از آن استفاده نکرده ، همانند سایر اعمال زشت انسان ، در روز رستاخیز طبق قانون « تجسم اعمال » تجسم می یابد و به صورت وسیله عذاب دردناکی درخواهد آمد .

تجسم این گونه اموال به طوقی که بر گردن می افتد اشاره به این حقیقت است که انسان تمام سنگینی مسؤولیت آن ها را تحمل خواهد کرد بدون این که از آثار آن بهره مند گردد ، اموال سرشاری که به طور جنون آمیز جمع آوری و نگاهداری گردد و در خدمت اجتماع نباشد جز زنجیر و زندان ، برای صاحب آن چیزی نیست زیرا

(106) راز خوشبختی

ص:106

می دانیم بهره گیری شخصی از مال و ثروت ، حدود معینی دارد و از آن که بگذرد جز یک نوع اسارت و سنگینی بیهوده نتیجه ای نخواهد داشت مگر این که از برکات معنوی آن برخوردار و در مسیر کارهای مثبت قرار گیرد .



این گونه اموال نه تنها در قیامت طوق سنگینی بر گردن صاحبانش خواهد بود بلکه در این دنیا چنین است ، منتها در رستاخیز آشکارا و در این جا به صورت مخفی تر می باشد ، چه جنون و حماقتی از این بالاتر که انسان مسؤولیت های فراوان تحصیل ثروت را به اضافه مسؤولیت ها و زحمات فراوان که برای حفظ و محاسبه و نگهداری و دفاع از آن لازم است بر دوش کشد ، درحالی که هیچ گونه از آن منتفع نگردد آیا طوق اسارت چیزی جز این است ؟

در تفسیر عیاشی از امام باقر روایت شده که « هر کس زکات مال خود را نپردازد خدا آن مال را به طوق هایی از آتش مبدل می کند ، سپس به او گفته می شود که همان طور که در دنیا به هیچ قیمت ، این اموال را از خود دور نمی کردی اکنون آن ها را

ص:107

بردار و به گردن خود بیفکن .»

راز خوشبختی (107)

قابل توجه این که : در آیه ، از مال ، تعبیر به « ما اتیهمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ » شده که مفهوم آن این است که مالک حقیقی ، اموال و منابع درآمد ، خدا است و آن چه به هر کس داده شده از فضل و کرم او است ، بنابراین جای این نیست که کسی از انفاق در راه مالک حقیقی ، بخل بورزد. بعضی از مفسران ، معتقدند که مفهوم این جمله عمومیت دارد و همه مواهب الهی حتی علم و دانش را شامل می شود ، ولی این احتمال با ظاهر تعبیرات آیه تطبیق نمی کند .





سپس آیه اشاره به یک نکته دیگر می کند و می گوید: این اموال، چه در راه خدا و بندگان او انفاق شود یا نشود، بالاخره از صاحبان آن جدا خواهد شد « و خداوند وارث همه میراث های زمین و آسمان خواهد بود: وَ لِلّٰهِ مِيرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ » .

اکنون که چنین است چه بهتر که پیش از جدا شدن از آن ها، از برکات معنوی آن بهره مند گردند، نه تنها از حسرت و مسؤولیت آن .

(108) راز خوشبختی

ص:108

و در پایان آیه می فرماید: « خدا از اعمال شما آگاه است: وَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ » .

بنابراین اگر بخل بورزید می داند و اگر در راه کمک به جامعه انسانی از آن استفاده کنید آن را نیز می داند و به هر کس پاداش مناسبی خواهد داد (1)

### سلامت اجتماع وابسته به سلامت اقتصاد است

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا: (2) ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل ( و از طرق نامشروع ) نخورید ، مگر این که تجارتي با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید ، خداوند نسبت به شما مهربان است . »

راز خوشبختی (109)

ص:109



1- « تفسیر نمونه » ، جلد 3 ذیل آیه شریفه .

2- 29 / نساء .

این آیه در واقع زیربنای قوانین اسلامی را در مسایل مربوط به « معاملات و مبادلات مالی » تشکیل می دهد و به همین دلیل فقهای اسلام در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می کنند ، آیه خطاب به افراد با ایمان کرده و می گوید : « اموال یکدیگر را از طرق نابه جا و غلط و باطل نخورید : یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ » .

به این ترتیب هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حقّ و بدون یک مجوز منطقی و عقلایی بوده باشد ممنوع شناخته شده و همه راتحت عنوان « باطل » که مفهوم وسیعی دارد قراردادده است .

می دانیم « باطل » در مقابل « حقّ » است و هر چیزی را که ناحقّ و بی هدف و بی پایه باشد دربرمی گیرد .

در آیات دیگری از قرآن نیز با عبارتی شبیه عبارت فوق ، این موضوع تأکید شده ، مثلاً به هنگام نکوهش از قوم یهود و ذکراعمال زشت آن ها می فرماید: « وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالًا »

(110) راز خوشبختی

ص: 110

النَّاسِ بِالْبَاطِلِ : آن ها در اموال مردم بدون مجوز و به ناحقّ تصرف می کردند « (1)



و در آیه 118 / بقره، جمله « لا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ » را به عنوان مقدمه ای برای نهی از کشاندن مردم به وسیله ادعاهای پوچ و بی اساس به سوی دادگاه ها و خوردند اموال آن ها ذکر فرموده است .

بنابراین هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسایل فساد و گناه، همه در تحت این قانون کلی قرار دارند و اگر در روایات متعددی، کلمه « باطل » به قمار و ربا و مانند آن تفسیر شده در حقیقت معرفی مصداق های روشن این کلمه است نه آن که منحصر به آن ها باشد .

شاید نیاز به تذکر نباشد که تعبیر به « اکل » ( خوردن ) کنایه از هرگونه تصرف است

راز خوشبختی (111)

ص:111

---

1- ( 161 / نساء ) .

خواه به صورت خوردن معمولی باشد یا پوشیدن یا سکونت و یا غیر آن و این تعبیر علاوه بر زبان عربی در فارسی امروز نیز کاملاً رایج است .

در جمله بعد به عنوان یک استثنا می فرماید: « مگر این که تصرف شما در اموال دیگران از طریق داد و ستدی باشد که از رضایت باطنی دوطرف سرچشمه بگیرد: **إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ** » .



این جمله، استثنایی است از قانون کلی سابق، ولی به اصطلاح « استثناء منقطع » (1) است یعنی آن چه در این جمله آمده مشمول قانون سابق، از آغاز نبوده است و تنها به

(112) راز خوشبختی

ص:112

---

1- استثناء منقطع غالباً برای تأکید عمومیت حکم عام می آید، این معنی در مورد آیه فوق صادق است به علاوه این حقیقت را اعلام می کند که با تحریم تصرفات باطل، راه زندگی بر شما بسته نیست و می توانید از طریق تجارت مشروع هدف خود را تأمین کنید.

عنوان یک تأکید و یادآوری ذکر شده، آن هم به نوبه خود یک قانون کلی است.

طبق این بیان، تمام مبادلات مالی و انواع تجارت ها که در میان مردم رایج است چنانچه از روی رضایت طرفین صورت گیرد و جنبه معقول و منطقی داشته باشد از نظر اسلام مجاز است ( مگر در مواردی که به خاطر مصالح معینی، نهی صریح از آن شده است ).

سپس در پایان آیه، مردم را از قتل نفس بازمی دارد و ظاهر آن به قرینه آخرین جمله آیه نهی از خودکشی و انتحار کرده و می فرماید: « و خودکشی نکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است: وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ». یعنی خداوند مهربان نه تنها راضی نمی شود دیگری شما را به قتل برساند بلکه به خود شما هم اجازه نمی دهد که با رضایت خود خویشتن را به دست نابودی بسپارید.

راز خوشبختی (113)

ص: 113

در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز آیه فوق به همین معنی « انتحار » تفسیر شده است. (1)

اکنون این سؤال پیش می آید که چه ارتباطی میان مسأله « قتل نفس » و « تصرف باطل و ناحق در اموال مردم » وجود دارد؟

پاسخ این سؤال روشن است و در حقیقت قرآن با ذکر این دو حکم پشت سر هم اشاره به یک نکته مهم اجتماعی کرده است و آن این که اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد و علاوه بر این که انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است.

(114) راز خوشبختی

حوادث و انقلاب هایی که در جوامع مختلف دنیای معاصر روی داده، شاهد

ص: 114

---

1- « مجمع البیان »، ذیل آیه و « نورالثقلین » جلد 1، صفحه 472.

گویای این حقیقت می باشد و از آن جا که خداوند نسبت به بندگان خود، مهربان است به آن ها هشدار می دهد و اعلام خطر می کند که مراقب باشند مبادا مبادلات مالی نادرست و اقتصاد ناسالم، اجتماع را به نابودی و سقوط بکشاند.



«وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا: (1)» و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است.»

«صَلَّى» در اصل به معنی نزدیک شدن به آتش است، اما گرم شدن و برشته شدن و سوخته شدن به آتش را نیز «صلی» می گویند و در آیه فوق به معنی وارد شدن و سوختن در آتش است.

در آیه مورد بحث به مجازات کسانی که از قوانین الهی سرپیچی کنند اشاره کرده و

راز خوشبختی (115)

ص: 115

1- 30 / نساء .

می فرماید: «و هر کس از این فرمان سرپیچی کند و خود را آلوده خوردن اموال دیگران به ناحق سازد و یادست به انتحار و خودکشی زند، نه تنها به آتش این جهان می سوزد، بلکه در آتش قهر و غضب پروردگار نیز خواهد سوخت» (وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا). و در پایان می فرماید: «این کار برای خدا آسان است» (وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا). (1)

**غفلت از یاد حق درهای خوشبختی را می بندد**



« وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى: (2) و هر کس از یاد من روی گردان شود زندگی تنگ ( و سختی ) خواهد داشت و

(116) راز خوشبختی

ص: 116

1- « تفسیر نمونه » ، جلد 3 ، ذیل آیه شریفه .

2- 124 / طه .

روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم .»

گاه می شود درهای زندگی به روی انسان به کلی بسته می شود و دست به هر کاری می زند با درهای بسته رو به رو می گردد و گاهی به عکس به هر جا روی می آورد خود را در برابر درهای گشوده می بیند ، مقدمات هر کار فراهم است و بن بست و گرهی در برابر او نیست ، از این حال تعبیر به وسعت زندگی و از اولی به ضیق یا تنگی معیشت تعبیر می شود، منظور از « مَعِيشَةً ضَنْكًا » که در آیات بالا آمد نیز همین است .

گاهی تنگی معیشت به خاطر این نیست که درآمد کمی دارد ، ای بسا پول و درآمدش هنگفت است ، ولی بخل و حرص و آز زندگی را بر او تنگ می کند نه تنها میل ندارد در خانه اش باز باشد و دیگران از زندگی او استفاده کنند ، بلکه گویی نمی خواهد آن را به روی خویش بگشاید ، به فرموده علی « همچون فقیران زندگی می کند و همانند اغنیاء و ثروتمندان حساب پس می دهد » .



راستی چرا انسان گرفتار این تنگناها می شود ، قرآن می گوید : عامل اصلیش

راز خوشبختی (117)

ص:117

اعراض از یاد حق است . یاد خدا مایه آرامش جان و تقوا و شهامت است و فراموش کردن او مایه اضطراب و ترس و نگرانی است .

یاد خدا مایه آرامش جان و تقوا و شهامت است و فراموش کردن او مایه اضطراب و ترس و نگرانی است .

هنگامی که انسان مسئولیت هایش را به دنبال فراموش کردن یاد خدا به فراموشی بسپارد ، غرق در شهوات و حرص و طمع می گردد ، پیدا است ، که نصیب او معیشت ضنک خواهد بود ، نه قناعتی که جان او را پر کند ، نه توجه به معنویت که به او غنای روحی دهد و نه اخلاقی که او را در برابر طغیان شهوات باز دارد .

اصولاً تنگی زندگی بیشتر به خاطر کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی است ، به خاطر عدم اطمینان به آینده و ترس از نابود شدن امکانات موجود ، و وابستگی بیش از حد به جهان ماده است و آن کس که ایمان به خدا دارد و دل به ذات پاک او بسته ، از همه این نگرانی ها در امان است .

(118) راز خوشبختی

ص:118





البته تا این جا سخن از فرد بود ، هنگامی که به جامعه هایی که از یاد خدا روی گردانده اند وارد شویم ، مسأله از این وحشتناک تر خواهد بود ، جوامعی که علیرغم پیشرفت شگفت انگیز صنعت و علیرغم فراهم بودن همه وسایل زندگی در اضطراب و نگرانی شدید به سر می برند ، در تنگنای عجیبی گرفتارند و خود را محبوس و زندانی می بینند. همه از هم می ترسند ، هیچ کس به دیگری اعتماد نمی کند ، رابطه ها و پیوندها همه بر محور منافع شخصی است ، بار تسلیحات سنگین به خاطر ترس از جنگ بیشترین امکانات اقتصادی آن ها را در کام خود فرو برده و پشتهایشان زیر این بار سنگین خم شده است .

زندان ها مملو از جنایتکاران است و در هر ساعت و دقیقه طبق آمارهای رسمیشان ، قتل ها و جنایت های هولناکی رخ می دهد ، آلودگی به مواد مخدر و فحشاء آن ها را برده و اسیر ساخته است ، در محیط خانواده هاشان نه نور محبتی است و نه پیوند عاطفی نشاط بخشی ، آری این است زندگی سخت و معیشت ضنک آن ها .

راز خوشبختی (119)

ص:119

رئیس جمهور اسبق آمریکا (کشورشیطان بزرگ) « نیکسون » در نخستین نطق ریاست جمهوری به این واقعیت اعتراف کرد و گفت: « ما گرداگردخویش زندگانی های توخالی می بینیم ، در آرزوی ارضاء شدن هستیم ، ولی هرگز ارضاء نمی شویم » .

یکی دیگر از مردان معروف آن ها که نقش او در جامعه به اصطلاح شادی آفریدن برای همه بود ، می گوید : « من می بینم انسانیت در کوچه تاریکی می دود که در انتهای آن جز نگرانی مطلق نیست » .



در روایات اسلامی می خوانیم که از امام صادق پرسیدند منظور از آیه « مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا » چیست؟ فرمود: « اعراض از ولایت امیرمؤمنان علی است »<sup>(1)</sup> آری آن کس که الگوی خود را از زندگی علی

ص:120

---

1- « نور الثقلین » ، جلد 3 ، صفحه 405 .

بگیرد همان ابرمردی که تمام دنیا در نظرش از یک برگ درخت کم ارزش تر بود ، آن چنان به خدا دل ببندد که جهان در نظرش کوچک گردد ، او هر کس باشد ، زندگی گشاده و وسیعی خواهد داشت ، اما آن ها که این الگو را فراموش کنند در هر شرایط گرفتار معیشت ضنک هستند .

(120) راز خوشبختی

در روایات متعددی اعراض از یاد حق در آیه فوق به « ترک حق » برای کسانی که قادرند تفسیر شده و این به خاطر آن است که مراسم تکان دهنده حج ارتباط و پیوند مجددی برای انسان باخدا می آفریند و همین ارتباط و پیوند راهگشای زندگی او است ، در حالی که عکس آن سبب دل بستگی هر چه بیشتر به مادیات است که سرچشمه معیشت ضنک می باشد

(1)

ص:121



1- « تفسیر نمونه » ، جلد 13 ذیل آیه شریفه .

### در غم و شادی باید بجای داد و فریاد « شکر گزار » خدا باشیم

«وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَابِجَانِبَهُ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ: (1) و هر گاه نعمتی به انسان دهیم، روی می گرداند و با حال تکبر از حق دور می شود، ولی هر گاه مختصر ناراحتی به او رسد ، تقاضای فراوان و مستمر ( برای برطرف شدن آن ) دارد» .

در آیه مذکور حالتی را که برای انسان ها به هنگام اقبال و ادبار دنیای مادی رخ می دهد بازگومی کند که حالت فراموشکاری به هنگام نعمت و جزع و فزع به هنگام مصیبت است. می فرماید : « هر گاه به انسان نعمتی دهیم روی می گرداند و با تکبر از حق دور می شود » ( وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَابِجَانِبَهُ ) .

(122) راز خوشبختی

ص:122

1- 51 / فصلت .

« اما هر گاه مختصر ناراحتی به او برسد تقاضای فراوان و زیادی برای برطرف شدن آن دارد و دعای مستمر می کنند » ( وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ) .

« نَأَى » از ماده « نَأَى » به معنی دور شدن می باشد و هنگامی که « جَانِبِ » ( پهلو ) پشت سر آن قرار گیرد ، کنایه از تکبر و غرور است ، چون آدم های متکبر صورت خود را بر می گردانند و با بی اعتنایی دور می شوند .



« عَرِيضٌ » به معنی پهن در مقابل طویل است و در لسان عرب این دو تعبیر در مورد کثرت و زیادی به کار می برد .

شبیهِ همین معنی در سوره یونس آمده است : « وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ »

راز خوشبختی (123)

ص:123

كَذَلِكَ زِينٌ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: (1) هنگامی که به انسان مختصر زیانی برسد ما را در همه حال می خواند ، در حالی که به پهلو خوابیده ، یا نشسته یا ایستاده است ، اما هنگامی که ناراحتی او را برطرف سازیم ، چنان می رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی نخوانده ، این گونه برای اسراف کاران اعمالشان زینت داده شده است .

آری چنین است ، انسان فاقد ایمان و تقوا که دائما به این حالات گرفتار است ، به هنگام روی آوردن نعمت ها « حریص » و « مغرور » و « فراموش کار » و به هنگام پشت کردن نعمت ها « مایوس » و نومید و « پر جزع » .

(124) راز خوشبختی

ولی در مقابل ، مردان حق و پیروان راستین مکتب انبیا ، آن چنان پر ظرفیت و پرمایه اند ، که نه روی آوردن نعمت ها آن ها را دگرگون می سازد و نه ادبار دنیا، ضعیف

ص:124



1- 12 / یونس .

و ناتوان و مأیوس، آن ها به مصداق آیه شریفه «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ: (1) سودمندترین تجارت ها و پرفایده ترین درآمدها، آن ها را از یاد خدا غافل نمی سازد» ، فلسفه تلخی ها و شیرینی های زندگی را به خوبی می دانند ، آن ها می دانند که گاه تلخی ها زنگ بیدار باش است و شیرینی ها آزمایش و امتحان الهی . گاه تلخی ها مجازات غفلت ها است و نعمت ها برای برانگیختن حس شکرگزاری بندگان. قابل توجه این که در آیات فوق تعبیر به «أَذَقْنَا» و «مَسَّهُ» شده ، که مفهومی است با مختصر رو آوردن دنیا یا زوال نعمت ها ، وضع این افراد کم مایه دگرگون می شود و راه غرور ، یا نومیدی و یأس را پیش می گیرند ، آن ها چنان کوتاه فکر و ضعیفند که طبق ضرب المثل معروف : « با غوره ای ترش می شوند و با مویزی شیرین » . آری یکی از مهم ترین آثار ایمان به خدا همان وسعت روح و بلندی افق فکر و شرح صدر و آمادگی

ص: 125

1- 37 / نور .

مقابله با مشکلات و مصائب و مبارزه با هیجانات نامطلوب نعمت ها است .

راز خوشبختی (125)

امیر مؤمنان علی ضمن دعاهایی که در آن سرمشق به یاران خود می دهد عرض می کند: «نَسْأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَنا وَ أَيْكُمْ مِمَّنْ لَا تَبْطُرُهُ نِعْمَةٌ وَ لَا تَقْصُرُ بِهِ عَنْ طَاعَةِ رَبِّهِ غَايَةٌ وَ لَا



تَحِلُّ بِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَامَةٌ وَ كِتَابَةٌ: از خدا می خواهیم که ما و شما را از کسانی قرار دهد که هیچ نعمتی آن ها را مست و مغرور نمی سازد و هیچ هدفی آن ها را از طاعت پروردگار باز نمی دارد و پس از فرا رسیدن مرگ پشیمانی و اندوه دامانشان را نمی گیرد» ( نهج البلاغه / 164 ) (1)

(126) راز خوشبختی

ص: 126

---

1- « تفسیر نمونه » ، جلد 20 ، صفحه 324 ذیل آیه شریفه 50 / فصلت .

### فهرست مطالب

موضوع صفحه

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم ... 6

مقدمه ... 8

تعریف خوشبختی و بدبختی از دیدگاه قرآن کریم ... 11

اسباب سعادت و شقاوت ... 12

بررسی آیات مربوط به راز خوشبختی ... 21

معنا و مفهوم واژه « برکت » ... 22



پنج نعمت مادی ره آورد استغفار واقعی ••• 23

(127)

ص: 127

فهرست مطالب

موضوع صفحه

نسخه امام حسن برای رفع خشکسالی ، فقر و نازایی ••• 25

شرایط توبه و استغفار ••• 29

پرهیز از گناه رمز خروج از بن بست بدبختی ها ••• 31

نعمت غیر قابل پیش بینی دستاورد تقواست ••• 33

مفهوم روح توکل بر خدا ••• 39

چرا اشخاصو جوامع فاقد ایمان زندگی مرفه دارند؟ ••• 42

رسیدن به اوج خوبی ها ره آورد انفاق در راه خداست ••• 47

ص: 128

ص: 129

ص: 130

ص: 131

ص: 132